



عنوان طرح:

وضعیت خشونت خانوادگی در ایران و عوامل موثر بر آن

کد طرح: ۲۲-۷۰۵۴

مسئول طرح:

محسن سوهانیان

پژوهشکده علوم اجتماعی

گروه پژوهشی جامعه‌شناسی

معاونت پژوهشی

شهریور ماه ۱۴۰۰

گزارش پایانی

فهرست مطالب

۶	فصل ۱ کلیات پژوهش
۷	۱. مقدمه و بیان مساله
۸	۲. سوالات تحقیق
۸	۳. اهداف تحقیق
۹	فصل ۲ واکاوی ادبیات پژوهش
۱۰	پیشینه تجربی پژوهش
۱۰	پیشینه داخلی
۱۷	پیشینه خارجی
۲۳	بررسی و نقد پیشینه تجربی خشونت خانگی
۲۴	مبانی نظری پژوهش
۲۴	۱. نظریه منابع
۲۶	۲. نظریه یادگیری اجتماعی
۲۷	۳. نظریه کنترل اجتماعی
۲۹	۴. نظریه فشار اجتماعی
۳۱	۵. نظریه فمینیستی
۳۳	چارچوب نظری پژوهش
۳۴	فرضیات
۳۶	فصل ۳ روش پژوهش
۳۷	روش تحقیق
۳۷	تحلیل ثانویه و نحوه آماده‌سازی داده‌ها

۳۷ نحوه آماده سازی داده‌های ثانویه برای تحلیل
۳۸ جامعه آماری و حجم نمونه
۳۸ بررسی اعتبار و پایایی و تعریف عملیاتی عوامل
۴۲	فصل ۴ یافته‌های پژوهش
۴۳ ویژگی‌های جمعیتشناختی پاسخگویان
۴۳ ۱. جنس
۴۴ ۲. توزیع سنی پاسخگویان
۴۴ ۳. سطح تحصیلات
۴۵ توصیف وضعیت خشونت خانگی در خانواده ایرانی
۴۵ توصیف کلی خشونت در خانواده ایرانی
۴۶ توصیف خشونت فیزیکی در خانواده
۴۸ خشونت روانی در خانواده
۴۹ خشونت کلامی در خانواده
۵۱ خشونت اقتصادی در خانواده
۵۳ خشونت جنسی بین زوجین
۵۴ وضعیت خشونت خانگی در تعاملات بین زوجین
۵۶ تبیین عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین
۵۶ آزمون فرضیات پژوهش
۵۸ تحلیل مدل رگرسیونی چندمتغیره
۶۱ پیامدهای خشونت بین زوجین
۶۲	فصل ۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری



۶۳ جمع‌بندی، بحث و نتیجه‌گیری

۶۸ پیشنهادهای پژوهشی

۶۹ منابع

هدف از این پژوهش ارائه توصیفی قابل تعمیم از وضعیت خشونت خانگی در بین اعضای خانواده، به شکل کلی و در ابعاد مختلف (فیزیکی، روانی، کلامی، اقتصادی و جنسی) و ابعاد و پیامدهای مرتبط با آن است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه افراد بالای ۱۵ سال در جامعه ایران در سال ۱۳۹۷ و حجم نمونه برابر ۵۰۲۷ نفر است که از این بین ۳۸۱۵ نفر متاهل و ۱۲۱۲ نفر مجرد هستند. بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع شاخص کلی خشونت بین زوجین ۸۱٫۱ درصد است و میانگین شدت آن برابر ۹٫۰۶ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. همچنین میزان شیوع شاخص کلی خشونت بین والدین و فرزندان ۸۴٫۵ درصد است و میانگین شدت آن برابر ۱۳ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است. در میان ابعاد مختلف خشونت بین زوجین، خشونت روانی با میزان شیوع ۷۵٫۵ درصد و با میانگین شدت ۱۴٫۴۲ دارای بیشترین شیوع و شدت است. همچنین در میان ابعاد مختلف خشونت بین والدین و فرزندان، خشونت روانی با میزان شیوع ۸۱٫۶ درصد و با میانگین شدت ۲۳٫۸۴ دارای بیشترین شیوع و شدت است. از میان عوامل مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین، میزان تعارض بین زوجین با بتای ۰٫۳۱، بیشترین ارتباط را بر خشونت خانگی در میان متغیرهای مورد بررسی دارد و پس از آن متغیرهای اعمال قدرت به شکل مجادله آمیز (بتای ۰٫۲۶)، مشاهده خشونت بین والدین (بتای ۰٫۲۲) و رضایت جنسی (بتای ۰٫۱۴-) قرار دارند. همچنین بر اساس نتایج این پژوهش از جمله پیامدهای مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین می توان به کاهش رضایت از زندگی، افزایش احتمال جدایی، افزایش روابط جنسی خارج از خانواده و افزایش فکر خودکشی و اقدام به خودکشی اشاره کرد.

فصل ۱ کلیات پژوهش

۱. مقدمه و بیان مساله

خانواده یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به شمار می‌رود که بخشی از تکوین و پرورش شخصیت افراد در آن شکل می‌گیرد. این نهاد هنگامی کارکرد خود را به درستی انجام می‌دهد که دچار نابسامانی و آشفتگی نباشد. خشونت خانگی یکی از عوامل و مظاهر این آشفتگی و نابسامانی است.

خشونت خانگی^۱، شایع‌ترین نوع خشونت در سراسر جهان است که به رغم تفاوت‌های فرهنگی، دینی، اقتصادی و اجتماعی بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، تمامی مرزهای جغرافیایی و سیاسی را درنوردیده و به پدیده جهانی، فراتاریخی و فرافرنگی بدل شده است. امروزه، خشونت خانگی، به یک پدیده جهان‌شمول مبدل گردیده و تأثیرات آن باعث نابسامانی‌های مختلف در جوامع و فرهنگ‌های جهان گردیده است. به همین علت، بیشترین قربانیان خشونت را در جهان، قربانیان خشونت خانگی تشکیل می‌دهند (منیر و دیگران، ۱۳۸۸: ۵). از این رو خشونت خانگی از مهم‌ترین موضوعات در بررسی مسائل اجتماعی در جوامع به شمار می‌آید.

در ایران نیز خشونت خانگی جزء آسیب‌ها و مسائل اجتماعی کشور بوده است. بر اساس پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳) ۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یک بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد از میان انواع خشونت خانگی در میان زنان ایرانی، خشونت‌های روانی و کلامی با ۵۲٪ درصد در رتبه نخست و خشونت فیزیکی با ۳۷٪ درصد در رتبه دوم قرار دارد. همچنین تعداد معاینات نزاع مربوط به مدعیان همسرآزاری در سال‌های اخیر رو به رشد بوده است و از ۵۲۰۸۹ نفر در سال ۱۳۸۸ به ۸۳۶۴۶ نفر در سال ۱۳۹۷ رسیده به عبارت دیگر حدود ۶۱ درصد رشد داشته است (سالنامه آماری کشور، ۱۳۹۷).

با وجود تحقیقات و پژوهش‌های متعددی که در زمینه خشونت خانگی در ایران صورت گرفته اما به غیر از پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳) هیچ پژوهشی که وضعیت خشونت خانگی را در جامعه ایران در سطح ملی مشخص کند صورت نگرفته است. سایر پژوهش‌ها یا منحصر به یک جامعه آماری محدود هستند و یا بر اساس مراجعات صورت گرفته به دادگاه‌ها، بیمارستان‌ها، پزشکی قانونی و... انجام شده است و به طبع نمی‌تواند میزان خشونت خانگی در جامعه ایرانی را نشان دهد.

پژوهش حاضر بر اساس تحلیل ثانویه طرح پیمایش ملی خانواده صورت گرفته است. این طرح علاوه بر اینکه در سطح ملی انجام شده، در کنار خشونت، سایر ابعاد مختلف خانواده را نیز مورد بررسی قرار داده است. بنابراین از

۱ . Domestic Violence

این نظر نیز یک پژوهش متمایز برای شناخت روابط و کنش و واکنش‌های خشونت با سایر ابعاد زندگی خانوادگی است.

این پژوهش به دنبال آن است که در قدم اول توصیف قابل تعمیمی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایرانی ارائه کند و در قدم دوم عوامل مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین را در ابعاد مختلف زندگی خانوادگی تبیین کند. و در نهایت در قدم سوم، پیامدهای خشونت خانگی بین زوجین را نشان دهد.

۲. سوالات تحقیق

۱. وضعیت خشونت خانگی (در ابعاد مختلف) در ایران چگونه است؟
۲. در ابعاد مختلف زندگی خانواده ایرانی، عوامل مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین کدام اند؟
۳. خشونت خانگی بین زوجین چه آثار و پیامدهایی بر زندگی فردی و خانوادگی دارد؟

۳. اهداف تحقیق

۱. توصیف وضعیت خشونت خانگی (در ابعاد مختلف) در جامعه ایرانی
۲. تبیین عوامل مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین در جامعه ایرانی
۳. شناسایی آثار و پیامدهای خشونت خانگی بین زوجین بر ابعاد مختلف زندگی فردی

فصل ۲ واکاوی ادبیات پژوهش

پیشینه تجربی پژوهش

خشونت به طور عام و خشونت خانگی به طور خاص جزء مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور ایران است که مورد تأکید نخبگان علمی و سیاسی کشور بوده است و پژوهشگران بسیاری در حوزه‌های مختلف علمی از جمله، جامعه‌شناسی، حقوق، روانشناسی، پزشکی و غیره، از جنبه‌های گوناگون به آن پرداخته‌اند. در این پژوهش تلاش شده با توجه به مسأله و اهداف ذکر شده در فصل اول، به مرور پژوهش‌های قبلی با تأکید بر حوزه جامعه‌شناسی پرداخته شود. از این رو، در نگارش این قسمت سعی شده نکات ذیل مورد توجه قرار گیرد:

۱. پژوهش‌های داخلی ذکر شده در پیشینه پیش‌رو حاصل جستجو با چهار کلید واژه «خشونت خانگی»، «خشونت خانوادگی»، «همسر آزاری»، «شوهر آزاری»، در پایگاه مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه اطلاعات علمی ایران است.

۲. چیدمان پژوهش‌ها به ترتیب سال انتشار آن‌ها از قدیم به جدید است و بازه زمانی مورد بررسی پژوهش‌ها از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۷ را در بر می‌گیرد که شامل تمام پژوهش‌های در دسترس است.

۳. سعی شده بیشتر تحقیقاتی پرداخته شود که درای اعتبار علمی بالا بوده و عمدتاً به صورت پایان نامه کارشناسی ارشد و رساله دکتری یا مقاله علمی پژوهشی به چاپ رسیده باشند.

۴. در این تحقیق با توجه به هدف آن، در مرور پیشینه تجربی به پراکندگی جغرافیایی جامعه هدف پژوهش‌های گذشته توجه شده است.

۵. در انتخاب پیشینه خارجی به چند نکته توجه شده است: اول اینکه به کشورهای همسایه و مجاور ایران همچون ترکیه و کشورهای عربی بیشتر توجه شده است؛ دوم اینکه، بیشتر پژوهش‌هایی انتخاب شده اند که به شکل ملی بوده و وضعیت خشونت خانگی را در کل آن کشور(ها) نشان دهند. سوم اینکه بیشتر پژوهش‌هایی باشند که حاصل مرور نظامند و خود حاصل مجموعه‌ای از پژوهش‌ها باشند و چهارم اینکه تا حد امکان به روز باشند.

پیشینه داخلی

۱. قاضی طباطبایی و همکاران در سال ۱۳۸۳ به پژوهشی با عنوان «تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۱۲۵۹۵ زن و ۲۰۶۶ مرد متأهل در ۲۸ استان کشور بوده است. برآورد کلی انجام شده مربوط به گستره خشونت خانگی در ۲۸ مرکز استان کشور نشان می‌دهد که ۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یک بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان ایرانی از میان انواع خشونت

خانگی، بیشتر تحت خشونت های روانی و کلامی (۵۲/۷ درصد) قرار دارند. رتبه بعدی از آن خشونت فیزیکی است که ۳۷/۸ درصد از زنان ایرانی از اول زندگی مشترک خود آن را تجربه کرده‌اند. رتبه سوم با رقم ۲۷/۷ درصد متعلق به «خشونت‌های ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی» است. خشونت های جنسی و ناموسی با رقم ۱۰/۲ درصد پایین ترین رتبه را به خود اختصاص داده است.

۲. کریمی در سال ۱۳۸۶ به پژوهشی با عنوان «وضعیت خشونت خانگی علیه زنان و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی: شهر قم» پرداخته است. نمونه آماری این پژوهش ۳۸۱ نفر از زنان متأهل شهر قم که حداقل یک سال از ازدواجشان می‌گذرد، بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش در بین انواع خشونت (فیزیکی، روانی، جنسی، مالی) خشونت روانی بیشترین فراوانی را داشت و نتایج رگرسیون چند متغیره نشان داد اختلاف عقاید و سلايق، نگرش اقتدار گرایانه مرد از نقش خود و تجربه و مشاهده خشونت در دوران کودکی توسط مرد از جمله مهمترین متغیرهای تاثیر گذار در خشونت علیه زنان می‌باشد.

۳. وامقی و همکاران در سال ۱۳۸۶ به پژوهشی با عنوان «مواجهه با خشونت خانگی در دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران» پرداخته‌اند. نمونه آماری این پژوهش ۱۴۹۵ دانش آموز دوره متوسطه شهر تهران بوده است و بر اساس نتایج آن، شیوع مواجهه با خشونت جسمی میان والدین در این مطالعه ۲۲٫۸ درصد برآورد شده و در ۵۹٫۸ درصد موارد، به صورت مشاهده صحنه خشونت بوده است. دختران تقریباً دو برابر پسران مواجهه با خشونت را گزارش نموده‌اند. پدران در ۵۴٫۳ درصد موارد تنها مرتکب خشونت بوده‌اند. این مواجهه دراز مدت بوده و در آن هایی که بیش از یک بار اتفاق افتاده، به طور متوسط ۵٫۱ سال طول کشیده است.

۴. عنایتی در سال ۱۳۸۹ به پژوهشی با عنوان «بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر اصفهان)» پرداخته است. نمونه آماری این پژوهش ۲۰۰ نفر از زنان متأهل شهر اصفهان بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش متغیرهای ساخت قدرت در خانواده، حمایت اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی، نگرش مردسالاری، شیوه اعمال قدرت مستقیم بر خشونت خانگی تأثیر داشته‌اند.

۵. صادقی در سال ۱۳۸۹ به پژوهشی با عنوان «خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی)» پرداخته است. نمونه مورد بررسی این پژوهش ۵۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش در سطح خود: سن، تحصیلات، میزان درآمد، سابقه اعتیاد و الکل، روحیه پرخاشگری، نگرشهای ضد زن، نداشتن تصور مثبت از خود، ضعف در خود کنترلی، بیماری

عصبی، انفعال زنان و عادی سازی خشونت؛ در سطح میانه: روابط با همسالان (رفیق‌بازی مردان)؛ کژکارکردی خانواده خاستگاه (دخالت خانواده شوهر)، دریافت نکردن مشاوره صحیح، آشنایی نداشتن با مهارت‌های زندگی؛ و در سطح کلان: مناسبات قدرت؛ استیلائی مردانه و فرودستی زنانه تبعیض جنسیتی، نبود حمایت قانونی و اجتماعی، بیکاری و فقر فرهنگی، مشروعیت بخشی سیستم فرهنگی به خشونت، محرومیت منابع، از جمله دلایل خشونت خانگی زنان بوده است. همچنین مقاومت، مقابله به مثل، شکایت و دریافت حمایت‌های قانونی، مقابله روانی و محرومیت مردان از رابطه زناشویی، پناه بردن به مکان‌های زیارتی، قهر کردن و پناه بردن به خانه پدری و طلاق از جمله استراتژی‌های زنان در مواجهه با خشونت خانگی بوده است.

۶. پهلوان در سال ۱۳۹۰ به پژوهشی با عنوان « بررسی خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن » پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۰۰ نفر از زنان بالای ۱۵ سال شهر سمنان بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش بین متغیرهای منابع قدرت و ایدئولوژی مردسالاری و یادگیری خشونت توسط مردان در خانواده و سنت گرایی زنان و محل سکونت و نقش زنان در پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

۷. علیوردی‌نیا و همکاران در سال ۱۳۹۰ به پژوهشی با عنوان «تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمونی تجربی» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش ۴۰۰ نفر از زنان ۱۵-۴۵ ساله متاهل ساکن منطقه ۴ شهر تهران بوده‌اند. حدود ۹۳ درصد از پاسخگویان خشونت توسط همسر خود را تجربه کرده‌اند که از میان ۵۲٫۳ درصد میزان خشونت همسر را در حد کم، ۳۱٫۸ درصد در حد متوسط و ۱۵٫۹ درصد در حد زیاد عنوان کرده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش متغیرهای مستقل مدل تحلیلی که در پی تبیین متغیر وابسته (خشونت شوهران علیه زنان) بوده‌اند، شامل منابع حمایتی اجتماعی، پذیرش نقش‌های جنسیتی، قدرت زن در ساختار خانواده، خشونت‌پذیری، خشونت در خانواده خاستگاه و پایگاه اجتماعی- اقتصادی نسبی زوجین بوده است. بر اساس تحلیل داده‌های تحقیق، از میان شش متغیر مستقل، متغیر قدرت زن در ساختار خانواده با ضریب تاثیر رگرسیونی (۰٫۴۳-)، مهم‌ترین تبیین‌کننده خشونت شوهران علیه زنان بوده و متغیرهای خشونت در خانواده خاستگاه، خشونت‌پذیری، منابع حمایتی اجتماعی، پذیرش نقش‌های جنسیتی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی نسبی زوجین از لحاظ تبیین متغیر وابسته، به ترتیب، در رتبه‌های بعدی قرار داشته‌اند.

۸. یعقوبی و عنایت در سال ۱۳۹۰ به پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه شناختی عوامل موثر بر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز)» پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۸۴ نفر از دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر اهواز و والدین آنها بوده است و بر اساس نتایج آن بین متغیرهای «انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و جمعیت خانوار» با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد و نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش ترین تاثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالای متغیر وابسته داشته است.

۹. معاشری و همکاران در سال ۱۳۹۱ به پژوهشی با عنوان «شیوع و ابعاد جمعیت شناختی خشونت های خانگی علیه زنان در شهر بیرجند» پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۴۱۴ نفر از زنان شاغل و خانه دار در شهر بیرجند بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش ۴۲,۳% از زنان مورد پژوهش معتقد بودند که مورد خشونت های خانگی قرار گرفته اند. ۴۵,۷% خشونت اعمال شده را از نوع کلامی و بیشترین دلایل خشونت را «یک طرفه بودن قوانین به نفع مردان» و «تربیت خانوادگی» ذکر کردند. ۷۹,۴% از خشونت های خانگی توسط شوهر اعمال شده بود و بین سن ازدواج و وجود خشونت فیزیکی اختلاف معنی داری وجود داشت؛ همچنین بین وجود و شدت خشونت با شغل زن و بین وجود خشونت با شغل مرد و تعدد زوجات ارتباط معنی داری حاصل گردید.

۱۰. عباس زاده و سعادت در سال ۱۳۹۱ به پژوهشی با عنوان «سنجش میزان همسرآزاری و عوامل موثر بر آن با تاکید بر سرمایه اجتماعی» پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۸۴ نفر از زنان متأهل شهر تبریز بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش ۵۸ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی، ۱۱ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جنسی و ۳۳ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری اقتصادی به وسیله متغیرهای اعتماد بین زوجین، حمایت دوستان، حمایت خانواده همسر زن و حمایت خانواده پدری زن تبیین شده اند.

۱۱. شایانی در سال ۱۳۹۲ به پژوهشی با عنوان «میزان خشونت خانگی مردان علیه زنان متأهل ۵۴-۱۵ساله شهر یاسوج و عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با آن» پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۴۰۰ نفر از زنان متأهل شهر یاسوج بوده است و بر اساس نتایج آن بین میزان ویژگی های مردسالارانه شوهر، تعداد فرزندان، سن زوجین در زمان ازدواج، وضعیت شغلی مردان و تحصیلات مردان با میزان خشونت

علیه زنان و ابعاد آن رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد، بین متغیر تقید شوهر به باورهای دینی و خشونت علیه زنان و ابعاد آن به جز بعد عاطفی دینداری رابطه معنادار می‌باشد اما بین وضعیت شغلی پاسخگویان، اختلاف سن زوجین، تحصیلات پاسخگویان، درآمد زوجین، مالکیت منزل، امکانات رفاهی از یک سو و میزان خشونت علیه زنان از سوی دیگر، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. در مجموع متغیرهای مستقل ۳۵/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند.

۱۲. مجیدی در سال ۱۳۹۲ به پژوهشی با عنوان «بررسی جامعه‌شناختی پدیده خشونت خانگی علیه مردان و برخی عوامل مرتبط با آن از دیدگاه مردان و زنان متأهل اراک در نیمه اول سال ۹۱» پرداخته است. نمونه مورد بررسی این پژوهش از مصاحبه با ۲۰ مشارکت‌کننده زن و مرد متأهل که حداقل یک سال ازدواج آنها گذشته است، بدست آمد. نتایج مطالعه به ۳ طبقه اصلی و ۱۰ زیر طبقه هر یک با مولفه‌های مخصوص به خود تقسیم بندی شد. طبقه دلائل خشونت شامل مولفه‌های مالی، فرهنگی-اجتماعی و یادگیری زن از محیط و خلیقات وی، طبقه نحوه اعمال خشونت شامل مولفه‌های فیزیکی، جنسی، اقتصادی و روحی-کلامی، و پیامدهای آن شامل مولفه‌های تضعیف بنیه مالی خانوار، آسیب دیدن بچه‌ها و شکاف بین زن و شوهر می‌باشد. نتیجه نهایی حاکی از آن است که خشونت روحی-کلامی و جنسی ۱۰۰٪، اقتصادی ۸۰٪ و فیزیکی ۴۰٪ توسط زنان اعمال شد. بنابراین علیرغم پنهان بودن این نوع خشونت اعمال آن در این مطالعه کاملاً محرز شده است.

۱۳. میرسالاری در سال ۱۳۹۲ به پژوهشی با عنوان «بررسی نگرش شهروندان نسبت به مولفه‌های خشونت خانگی در ابعاد شناختی و رفتاری در شهرستان کهگیلویه در بین جمعیت گروه سنی ۲۵ تا ۶۰ سال» پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۴۰۰ نفر از افراد ۶۰-۲۵ سال شهرستان کهگیلویه بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش بین سن افراد، سطح تحصیلات افراد، متوسط درآمد افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با نگرش آن‌ها نسبت به مولفه‌های خشونت خانگی در ابعاد شناختی و رفتاری رابطه معناداری وجود دارد.

۱۴. کنعانی و دیگران در سال ۱۳۹۳ به پژوهشی با عنوان «انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن‌ها با خشونت خانگی علیه زنان» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۹۳ نفر (۲۰۸ مرد و ۱۸۵ زن متأهل بالای ۱۰ سال) بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه بندی شده و سهمیه‌ای از مناطق پنج گانه شهر رشت بوده‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش بین انواع سرمایه در اختیار آزمودنی‌ها و خشونت خانگی علیه زنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد به این معنا که آن دسته از پاسخگویانی که از

سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بالاتری برخوردار هستند از پایین ترین میزان خشونت خانگی علیه همسرانشان برخوردار بوده اند و آن دسته از پاسخگویانی که از سرمایه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی پایین تری برخوردار هستند از بالاترین میزان خشونت خانگی علیه همسرانشان برخوردار بوده اند.

۱۵. بابایی فرد و حیدریان در سال ۱۳۹۳ به پژوهشی با عنوان « بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانوادگی » پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۵۰ ساله شهر کاشان بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش میزان خشونت خانوادگی در ۳ درصد پایین در ۷۳٫۳ درصد متوسط و ۲۳٫۷ درصد بالا است. بین حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، ارزش های معنوی و خانوادگی و رضایت مندی اقتصادی خانواده با میزان خشونت خانوادگی، رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. هم چنین، تحلیل چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان می دهند که متغیرهای حمایت اجتماعی و ارزش های معنوی و خانوادگی، به صورت مستقیم، و متغیرهای کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت مندی اقتصادی خانواده، به صورت غیرمستقیم با خشونت خانوادگی در ارتباط بوده اند.

۱۶. فیروزجائیان و دیگران در سال ۱۳۹۴ به پژوهشی با عنوان «تحلیل جامعه‌شناختی تاثیر بی‌نظمی در خانواده بر خشونت خانگی زنان علیه مردان» پرداخته‌اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۸۴ نفر از مردان متأهل شهر بابل بوده است و بر اساس نتایج آن متغیرهای زمینه‌ای سن، سن همسر، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزند و تعداد ازدواج زن با خشونت علیه مردان رابطه معنادار دارد. متغیرهای اصلی تحقیق (عدم همفکری، عدم همگامی، عدم همبختی و عدم همدلی) نیز بر خشونت علیه مردان تأثیر مستقیم دارد. همچنین با توجه به مدل ساختاری ارائه شده همه این متغیرها ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت زنان علیه مردان) را تبیین کرده‌اند.

۱۷. جان آبادی در سال ۱۳۹۵ به پژوهشی با عنوان « مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان و مردان متأهل شهر زابل » پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۸۲ نفر از مردان و زنان متأهل شهر زابل بوده اند. بر اساس نتایج این پژوهش مردان بیشتر خشونت روانی، اجتماعی، جنسی، فیزیکی، اقتصادی و زنان بیشتر خشونت اجتماعی، اقتصادی، جنسی، فیزیکی و روانی را تجربه می‌کنند. همچنین خشونت خانگی با متغیرهای همدلی، همفکری، تجربه خشونت در دوران کودکی، حمایت اجتماعی، قدرت اقتصادی و دینداری رابطه‌ای معناداری دارد؛ همه‌ی این متغیرها ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت خانگی) را تبیین کرده‌اند.

۱۸. طالب پور در سال ۱۳۹۶ به پژوهشی با عنوان « بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تأکید بر همسر آزاری (مطالعه موردی؛ مناطق شهری و روستایی استان اردبیل) » پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۱۱۰۰ نفر از ساکنین استان اردبیل بوده اند. بر اساس نتایج این پژوهش میزان همسر آزاری در کلیه مناطق استان اردبیل ۲۹,۶ درصد می باشد با بررسی ابعاد خشونت علیه زنان مشخص شد؛ خشونت مالی با ۳۳,۲ درصد بیشترین نوع خشونت علیه زنان و خشونت فیزیکی با ۲۷,۲ درصد کمترین نوع خشونت اعمال شده علیه زنان در سطح استان می باشد. همچنین در این تحقیق خشونت روانی علیه زنان حدود ۲۹ درصد و خشونت جنسی حدود ۲۹,۲ درصد در سطح استان اردبیل برآورد گردیده است. نتایج تحلیل رگرسیون تبیین عوامل مؤثر بر همسر آزاری، نشان دادند؛ متغیرهای مستقل؛ نوع روابط قدرت در خانواده به میزان (۰,۲۴۹-) دخالت خویشاوندان به میزان (۰,۱۹۹)، تحریک شوهر به میزان (۰,۱۸۲)، تراکم صمیمیت زوجین به میزان (۰,۱۵۹-)، اعتماد بین زوجین به میزان (۰,۱۲۹)، یادگیری خشونت در خانواده مبدأ به میزان (۰,۰۸۹)، جامعه پذیری جنسیتی به میزان (۰,۰۴۶) و ناسازگاری پایگاه خانوادگی زوجین به میزان (۰,۰۰۹-) منجر به تغییر در میزان خشونت علیه زنان می شود. متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع توانسته اند ۵۰ درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین نمایند.

۱۹. کریمی در سال ۱۳۹۷ به پژوهشی با عنوان « پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان » پرداخته است. نمونه مورد بررسی این پژوهش ۱۵ زن شهرستان سنندج که تجربه خشونت همسر را داشتند، بوده است. یافته های حاصل از پژوهش در زمینه علل تحمل خشونت توسط زنان قربانی خشونت خانگی نشان داد که این گروه از زنان متأثر از علل و عوامل مختلفی نظیر هراس ها و بدکارکردی های روانشناختی (عزت نفس پایین، درماندگی آموخته شده، دلبستگی اضطرابی، امید به بهبود شرایط در آینده، ترس از بیوه شدن، ترس از تنهایی، بخشش و اعتماد ناپایدار، وابستگی عاطفی به همسر، پذیرش خشونت با هدف حمایت از فرزندان)، اجبار و بازدارنده های خانواده پدری (عدم پذیرش از طرف خانواده پدری، سرزنش ها و تحقیرهای خانواده پدری، عدم حمایت و طرد شدن از جانب خانواده پدری و پرتنش بودن خانواده پدری، نوع و فرآیند ازدواج)، فقدان استقلال مالی (وابستگی اقتصادی به شوهر، فقدان شغل و ضعف اقتصادی خانواده پدری) و بازدارنده های اجتماعی (حفظ آبروی اجتماعی، ترس از تضعیف جایگاه اجتماعی و ترس از انگ اجتماعی) خشونت اعمال شده توسط شوهرشان را تحمل کرده و با آن کنار می آیند.

۲۰. یوسف‌زاده در سال ۱۳۹۷ به پژوهشی با عنوان « برخی پیشایندها و پسایندهای خشونت خانگی علیه زنان: ارائه یک مدل علی » پرداخته است. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۴۰۰ نفر از زنان متأهل در شهر مشهد بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش بین ویژگی‌های زنان با خشونت خانگی علیه آنان رابطه معنادار وجود دارد، به طوری که طرحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل دارای رابطه مثبت و معنی دار، تمایز یافتگی رابطه منفی و معنی دار، نقش جنسیتی زنانه رابطه مثبت و معنی دار و نقش جنسیتی مردانه رابطه منفی و معنی دار با خشونت خانگی علیه آنان دارد. از پیامدهای خشونت خانگی علیه زنان در این پژوهش کاهش سرمایه اجتماعی بوده است.

۲۱. قزوینه و همکاران در سال ۱۳۸۷ به پژوهشی با عنوان « توزیع فضایی خشونت های خانگی در شهر کرمانشاه » پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۴۳۳ نفر از شهروندان شهر کرمانشاه بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش بیشترین میزان خشونت در هر سه سطح (روانی، کلامی، فیزیکی) در میان مناطق فقیرنشین و حاشیه ای شهر متمرکز شده است. میزان بالای بیکاری و درآمد پایین، مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی که به طور گسترده در مناطق فقیر شهری وجود دارد، بر وقوع خشونت تأثیر مستقیم داشته است. بخش قابل توجهی از رواج برخی گونه های همسرگزینی ناشی از فقر اقتصادی و فقر فرهنگی است که به طور مستقیم با محلات شهری ارتباط مستقیم دارد.

۲۲. کبیری و همکاران در سال ۱۳۸۷ به پژوهشی با عنوان « تحلیل جامعه شناختی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه) » پرداخته اند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش ۳۸۱ نفر از زنان متأهل ۴۹-۱۵ شهر ارومیه بوده است. بر اساس نتایج این پژوهش رابطه خطی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و اقتدار نامشروع مرد در خانواده با خشونت علیه زنان مورد تایید واقع شده است، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای مانده در مدل رگرسیونی توانستند ۲۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند و در این بین، متغیر اعمال قدرت از سوی مرد در خانواده بیشترین سهم را در تبیین متغیر خشونت علیه زنان داشته است.

پیشینه خارجی

۱. طرح تحقیقاتی ملی در سال ۲۰۰۹ و در موسسه جمعیت دانشگاه هاچپه^۱ با عنوان «خشونت خانگی علیه زنان در ترکیه» در نمونه بالغ بر ۲۴۰۴۸ نفر از زنان کشور ترکیه صورت گرفته است. براساس نتایج این

۱. Hacettepe

پژوهش، در سال ۲۰۰۹، ۳۹٪ از زنان در ترکیه در معرض خشونت جسمی، ۱۵٪ از آنها در معرض خشونت جنسی و ۴۴٪ از آنها در معرض خشونت عاطفی قرار دارند.

۲. الدوساری^۱ در تحقیقی با عنوان «تاثیر بهداشتی خشونت خانگی بر زنان کشور عربستان سعودی: مطالعه مقطعی» در نمونه بالغ بر ۴۲۱ زن و به شیوه نظرسنجی اینترنتی انجام داده است. بر اساس نتایج این پژوهش بین خصوصیات اجتماعی-جمعیتی شناختی و سوء استفاده یا عدم سوء استفاده رابطه معنی داری وجود نداشت. با این حال، با تجزیه و تحلیل بیشتر، شاهد سوء استفاده جنسی بیشتر در بین زنان غیر شاغل بوده است. بین زنان مورد سوء استفاده و عوامل وضعیت سلامت عمومی، ویزیت پزشک، افسردگی، بی خوابی و علائم جسمی رابطه معنی داری وجود داشت. بر اساس نتایج این پژوهش پیامدهای خشونت عمیق است و از سلامت و شادی افراد تا تاثیر بر سلامت کل اجتماع شامل می شود. زندگی در یک رابطه خشونت آمیز بر حس اعتماد به نفس زنان و توانایی های آنان برای مشارکت در اجتماع تاثیر می گذارد. بنابراین بالا بردن آگاهی جامعه از طریق کمپین های آگاهی ملی و تربیت افراد آموزش دیده برای کاهش خشونت خانگی ضروری به نظر می رسد.

۳. اوشو^۲ و اگابفل^۳ در پژوهشی با عنوان «عوامل تعیین کننده خشونت خانگی علیه زنان در غنا» در سال ۲۰۱۶ عوامل موثر بر خشونت خانگی را در میان زنان ازدواج کرده در غنا مورد بررسی قرار دادند. داده های حاصل از بررسی جمعیتی و بهداشتی غنا در سال ۲۰۰۸ (GDHS) است. بر اساس یافته های این پژوهش در میان ۱۵۲۴ زن متأهل، ۳۳٫۶٪ خشونت خانگی را تجربه کرده بودند. خطر بروز خشونت خانگی برای زنانی که در مناطق شهری ساکن هستند ۳۵٪ بود. خطر خشونت خانگی برای زنانی که همسرانشان تا به حال پدرشان را در ضرب و شتم مادرشان مشاهده کرده بودند، ۴۱ درصد بیشتر بود. خطر بروز خشونت خانگی در خانمها ۴۸٪ در مقایسه با زنانی که همسرانشان هرگز تحصیلات رسمی نداشتند، کمتر بود. زنانی که همسرانشان مشروبات الکلی مصرف می کند، در مقایسه با زنانی که همسرشان الکل مصرف نمی کند، ۲٫۵ برابر بیشتر از آن در معرض خشونت خانگی بودند.

۴. سن^۴ و بولسوی^۵ در پژوهشی با عنوان «خشونت علیه زنان: عوامل شیوع و خطر در ترکیه» در سال ۲۰۱۷ در یک مطالعه مقطعی در نمونه مشتمل بر ۱۷۶۰ زن بالای ۱۸ سال، به بررسی خشونت علیه زنان در استان مانیسا ترکیه، می پردازد. بر اساس یافته های این تحقیقی مشخص شد که نمره ۳۰٫۰٪ از زنان از

۱ AL. Dosaari

۲ . Owusu

۳ . Agbemafla

۴ . Sen

۵ . Bolsoy

مقیاس میانگین خشونت خانگی بالاتر بوده و بیش از سایرین در معرض خشونت قرار گرفته اند. از نظر آماری تفاوت معنی داری بین میانگین نمره از مقیاس خشونت خانگی علیه زنان و متغیرهای سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، بیمه اجتماعی، وضعیت مهاجرت، محل سکونت، سن زناشویی، سال ازدواج وجود دارد.

۵. بات^۱ و همکاران در پژوهشی با عنوان «خشونت شریک زندگی در قاره آمریکا: بررسی نظامند و تجزیه و تحلیل مجدد تخمین‌های شیوع ملی» در سال ۲۰۱۹ به مرور نظامند پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با خشونت خانگی در قاره آمریکا، از ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ پرداخته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش خشونت شریک زندگی از نوع جسمی و یا جنسی را با نرخ‌هایی از ۱ درصد زنان در کانادا تا بیش از نیمی (۵۸٫۵ درصد) در بولیوی گزارش شده است.

۶. الگوسین^۲ و همکاران در سال ۲۰۱۹ به پژوهشی با عنوان «شیوع خشونت شریک زندگی علیه زنان در جهان عرب: یک مرور نظامند» پرداختند. این پژوهش با هدف خلاصه کردن نتایج خشونت جسمی، جنسی و عاطفی یا روانشناختی شریک زندگی علیه زنان در ۲۲ کشور عضو اتحادیه عرب صورت گرفته است. در این پژوهش داده‌های شیوع خشونت شریک زندگی در سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ مورد بررسی قرار گرفته است و شامل ۴۶ مجموعه داده جداگانه از مجلات بررسی شده و ۱۱ نظرسنجی ملی است که توسط برنامه‌های تحقیقاتی بین‌المللی و یا دولت‌ها منتشر شده‌اند. شیوع خشونت شریک زندگی گزارش شده از ۶ درصد تا بیش از نیمی (۵۹ درصد) (فیزیکی) بود. از ۳ تا ۴۰ درصد (جنسی)؛ و از ۵ تا ۹۱ درصد (عاطفی / روانی). روش‌ها و تعاریف عملیاتی خشونت، به ویژه برای خشونت شریک زندگی عاطفی / روانی، بسیار متفاوت بوده است.

به منظور سهولت در مرور، تمام پژوهش‌ها در قالب جدول ۱ آورده شده است:

جدول ۱. مرور پیشینه تجربی پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه خشونت خانگی

ردیف	نام محقق	روش پژوهش	سال	هدف اصلی	نمونه مورد مطالعه	روش تحقیق	نتایج (میزان، عوامل موثر / پیامدها)
۱	قاضی طباطبایی و همکاران	طرح ملی	۱۳۸۳	تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان	۱۲۵۹۵ زن و ۲۰۶۶ مرد و صد هزار پرونده، زنان متأهل ۲۸ استان کشور	پیمایش	۶۶ درصد زنان ایرانی، از ابتدای زندگی مشترکشان تاکنون، حداقل یک بار مورد خشونت قرار گرفته اند. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که زنان ایرانی از میان انواع خشونت خانگی، بیشتر تحت خشونت‌های روانی و کلامی (۵۲٫۷ درصد) قرار دارند. رتبه بعدی از آن خشونت فیزیکی است که ۳۷٫۸ درصد از زنان ایرانی از اول زندگی مشترک خود آن را تجربه کرده‌اند. رتبه سوم با رقم ۲۷٫۷ درصد متعلق به «خشونت‌های ممانعت از رشد اجتماعی، فکری و آموزشی» است.

۱. Bott

۲. Elghossain

۲	کریمی	پایان نامه	۱۳۸۶	وضعیت خشونت خانگی علیه زنان ازدواجشان می‌گذرد	۳۸۱ نفر از زنان متاهل شهر قم که حداقل یک سال از ازدواجشان می‌گذرد	پیمایش	در بین انواع خشونت (فیزیکی، روانی، جنسی، مالی) خشونت روانی بیشترین فراوانی را داشت. بر اساس نتایج رگرسیون چند متغیره متغیره متغیر اختلاف عقاید و سلاقی، نگرش اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و تجربه و مشاهده خشونت در دوران کودکی توسط مرد از جمله مهمترین متغیرهای تاثیر گذار در خشونت علیه زنان می‌باشد.
۳	وامقی و همکاران	مقاله	۱۳۸۶	مواجهه با خشونت خانگی در دانش آموزان دبیرستانی	۱۴۹۵ دانش آموز دوره متوسطه شهر تهران	پیمایش	شیوع مواجهه با خشونت جسمی میان والدین در این مطالعه ۲۲٫۸ درصد برآورد شده و در ۵۹٫۸ درصد موارد، به صورت مشاهده صحنه خشونت بوده است. دختران تقریباً دو برابر پسران مواجهه با خشونت را گزارش نموده اند. پدران در ۵۴٫۳ درصد موارد تنها مرتکب خشونت بوده اند. این مواجهه دراز مدت بوده و در آن هایی که بیش از یک بار اتفاق افتاده، به طور متوسط ۵٫۱ سال طول کشیده است
۴	عنایتی	پایان نامه	۱۳۸۹	عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان	نمونه تصادفی ۲۰۰ نفره از زنان متاهل شهر اصفهان	پیمایش	متغیرهای ساخت قدرت در خانواده، حمایت اجتماعی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی ذهنی، نگرش مردسالاری، شیوه اعمال قدرت مستقیم بر خشونت خانگی تأثیر داشته اند.
۵	صادقی	مقاله	۱۳۸۹	خشونت خانگی و استراتژی های زنان در مواجهه با آن	۵۰ نفر از زنان متاهل شهر تهران	پدیدارشناسی	در سطح خرد: سن - تحصیلات - میزان درآمد - سابقه اعتیاد و الکل - روحیه پرخاشگری - نگرشهای ضد زن - نداشتن تصور مثبت از خود، ضعف در خود کنترلی، بیماری عصبی، انفعال زنان و عادی سازی خشونت. در سطح متوسط: روابط با همسالان (رفیقهای مردان)؛ کژکارکردی خانواده خاستگاه (دخالتهای خانواده شوهر)، دریافت نکرد مشاوره صحیح، آشنایی نداشتن با مهارت های زندگی در سطح کلان: مناسبات قدرت؛ استیلای مردانه و فرودستی زنانه تبعیض جنسیتی، نبود حمایت قانونی و اجتماعی، بیکاری و فقر فرهنگی، مشروعیت بخشی سیستم فرهنگی به خشونت، محرومیت منابع. استراتژی های مقابله: مقاومت، مقابله به مثل، شکایت و دریافت حمایت های قانونی، مقابله روانی و محرومیت مردان از رابطه زناشویی، پناه بردن به مکان های زیارتی، قهر کردن و پناه بردن به خانه پدری، طلاق
۶	پهلوان	پایان نامه	۱۳۹۰	خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان	نمونه تصادفی از ۳۰۰ نفر از زنان بالای ۱۵ سال شهر سمنان	پیمایش	بین متغیرهای منابع قدرت و ایدئولوژی مردسالاری و یادگیری خشونت توسط مردان در خانواده و سنت گرایی زنان و محل سکونت و نقش زنان در پایگاه اقتصادی و اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.
۷	علیوردینیا و همکاران	مقاله	۱۳۹۰	تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان	۴۰۰ نفر از زنان ۱۵- ۴۵ ساله متاهل ساکن منطقه ۴ شهر تهران	پیمایش	متغیرهای مستقل مدل تحلیلی که در پی تبیین متغیر وابسته (خشونت شوهران علیه زنان) بوده اند، شامل منابع حمایتی اجتماعی، پذیرش نقش های جنسیتی، قدرت زن در ساختار خانواده، خشونت پذیری، خشونت در خانواده خاستگاه و پایگاه اجتماعی- اقتصادی نسبی زوجین بوده است. بر اساس تحلیل داده های تحقیق، از میان شش متغیر مستقل، متغیر قدرت زن در ساختار خانواده با ضریب تاثیر رگرسیونی (۰٫۴۳-)، مهم ترین تبیین کننده خشونت شوهران علیه زنان بوده و متغیرهای خشونت در خانواده خاستگاه، خشونت پذیری، منابع حمایتی اجتماعی، پذیرش نقش های جنسیتی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی نسبی زوجین از لحاظ تبیین متغیر وابسته، به ترتیب، در رتبه های بعدی قرار داشته اند.
۸	یعقوبی و عنایت	مقاله	۱۳۹۰	عوامل موثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان	۳۸۴ نفر از دانش آموزان دختر مقطع دبیرستان شهر اهواز و والدین آنها	پیمایش	بین متغیرهای «انزوای اجتماعی، حمایت اجتماعی عاطفی ادراک شده، پایگاه اجتماعی- اقتصادی و جمعیت خانوار» با خشونت خانگی والدین نسبت به دختران نوجوان رابطه معناداری وجود دارد. و نتایج بدست آمده از رگرسیون چند گانه نیز نشان دادند که متغیر انزوای اجتماعی بیش ترین تاثیر را نسبت به متغیرهای دیگر پژوهش، برای پیش بینی بالای متغیر وابسته داشته است
۹	معاشری و همکاران	مقاله	۱۳۹۱	شیوع و ابعاد جمعیت شناختی خشونت های خانگی علیه زنان	۴۱۴ نفر از زنان شاغل و خانه دار در شهر بیرجند	پیمایش	۴۲٫۳٪ از زنان مورد پژوهش معتقد بودند که مورد خشونت های خانگی قرار گرفته اند. ۴۵٫۷٪ خشونت اعمال شده را از نوع کلامی و بیشترین دلایل خشونت را «یک طرفه بودن قوانین به نفع مردان» و «تربیت خانوادگی» ذکر کردند. ۷۹٫۴٪ از خشونت های خانگی توسط شوهر اعمال شده بود و بین سن ازدواج و وجود خشونت فیزیکی اختلاف معنی داری وجود داشت؛ همچنین بین وجود و شدت خشونت با شغل زن و بین وجود خشونت با شغل مرد و تعدد زوجات ارتباط معنی داری حاصل گردید.

۱۰	عباس زاده و سعادت	مقاله	۱۳۹۱	سنجش میزان همسرآزاری و عوامل موثر بر آن	۳۸۴ نفر از زنان متأهل شهر تبریز	پیمایش	۵۸ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری روانی، ۲۹ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جسمی، ۱۱ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری جنسی و ۳۳ درصد از تغییرات متغیر همسرآزاری اقتصادی به وسیله متغیرهای اعتماد بین زوجین، حمایت دوستان، حمایت خانواده همسر زن و حمایت خانواده پدری زن تبیین شده اند
۱۱	شایانی	پایان نامه	۱۳۹۲	میزان خشونت خانگی علیه زنان متأهل	۴۰۰ نفر از زنان متأهل ۵۴-۱۵ ساله شهر یاسوج	پیمایش	بین میزان ویژگی‌های مردسالارانه شوهر، تعداد فرزندان، سن زوجین در زمان ازدواج، وضعیت شغلی مردان و تحصیلات مردان با میزان خشونت علیه زنان و ابعاد آن رابطه‌ای معنادار و معکوس وجود دارد، بین متغیر تنقید شوهر به باورهای دینی و خشونت علیه زنان و ابعاد آن به جز بعد عاطفی دینداری رابطه معنادار می‌باشد اما بین وضعیت شغلی پاسخگویان، اختلاف سن زوجین، تحصیلات پاسخگویان، درآمد زوجین، مالکیت منزل، امکانات رفاهی از یک سو و میزان خشونت علیه زنان از سوی دیگر، رابطه‌ای معنادار وجود ندارد. در مجموع متغیرهای مستقل ۳۵/۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نموده‌اند
۱۲	مجیدی	پایان نامه	۱۳۹۲	پدیده خشونت خانگی علیه مردان و برخی عوامل مرتبط	مصاحبه با ۲۰ مشارکت کننده زن و مرد متأهل حداقل یک سال ازدواج کرده در شهر اراک	گردن‌دثوری	نتایج مطالعه به ۳ طبقه اصلی و ۱۰ زیر طبقه هر یک با مولفه‌های مخصوص به خود تقسیم بندی شد. طبقه دلایل خشونت شامل مولفه‌های مالی، فرهنگی-اجتماعی و یادگیری زن از محیط و خلیقات وی، طبقه نحوه اعمال خشونت شامل مولفه‌های فیزیکی، جنسی، اقتصادی و روحی-کلامی، و پیامدهای آن شامل مولفه‌های تضعیف بنیه مالی خانوار، آسیب دیدن بچه‌ها و شکاف بین زن و شوهر می‌باشد. نتیجه نهایی حاکی از آن است که خشونت روحی-کلامی و جنسی ۱۰۰٪، اقتصادی ۸۰٪ و فیزیکی ۴۰٪ توسط زنان اعمال شد.
۱۳	میرسالاری	پایان نامه	۱۳۹۲	بررسی نگرش شهروندان نسبت به مولفه‌های خشونت خانگی	۴۰۰ نفر از افراد ۶۰- ۲۵ سال شهرستان کهگیلویه	پیمایش	بین سن افراد، سطح تحصیلات افراد، متوسط درآمد افراد و پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با نگرش آن‌ها نسبت به مولفه‌های خشونت خانگی در ابعاد شناختی و رفتاری رابطه معناداری وجود دارد.
۱۴	کنعانی و دیگران	مقاله	۱۳۹۳	انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن‌ها با خشونت خانگی علیه زنان	۳۹۳ نفر (۲۰۸ مرد و ۱۸۵ زن متأهل بالای ۱۰ سال) بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه بندی شده و سهمیه‌ای از مناطق پنج گانه شهر رشت	پیمایش	بین انواع سرمایه در اختیار آزمودنی‌ها و خشونت خانگی علیه زنان رابطه معنادار معکوس وجود دارد. به نوعی که آن دسته از پاسخگویانی که از سرمایه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بالاتری برخوردار هستند از پایین‌ترین میزان خشونت خانگی علیه همسرانشان برخوردار بوده‌اند و بالعکس
۱۵	بابایی فرد و حیدریان	مقاله	۱۳۹۳	عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانوادگی	۳۰۰ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۵۰ ساله شهر کاشان	پیمایش	میزان خشونت خانوادگی در ۳ درصد پایین در ۷۳٫۳ درصد متوسط و ۲۳٫۷ درصد بالا است. بین حمایت اجتماعی، کیفیت ارتباطات خانوادگی، ارزش‌های معنوی و خانوادگی و رضایت مندی اقتصادی خانواده با میزان خشونت خانوادگی، رابطه معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد. هم چنین، تحلیل چندمتغیره و تحلیل مسیر نشان می‌دهند که متغیرهای حمایت اجتماعی و ارزش‌های معنوی و خانوادگی، به صورت مستقیم، و متغیرهای کیفیت ارتباطات خانوادگی و رضایت مندی اقتصادی خانواده، به صورت غیرمستقیم با خشونت خانوادگی در ارتباط بوده‌اند
۱۶	فیروزجائیان و دیگران	مقاله	۱۳۹۴	شناختی تأثیر بی‌نظمی در خانواده بر خشونت خانگی زنان علیه مردان	۳۸۴ نفر از مردان متأهل شهر بابل	پیمایش	متغیرهای زمینه‌ای سن، سن همسر، مدت زمان ازدواج، تعداد فرزند و تعداد ازدواج زن با خشونت علیه مردان رابطه معنادار دارد. متغیرهای اصلی تحقیق (عدم همفکری، عدم همگامی، عدم همبختی و عدم همدلی) نیز بر خشونت علیه مردان تأثیر مستقیم دارد. همچنین با توجه به مدل ساختاری (MIMIC) ارائه شده همه این متغیرها ۳۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت زنان علیه مردان) را تبیین کرده‌اند
۱۷	جان‌آبادی	پایان نامه	۱۳۹۵	مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان و	۳۸۲ نفر از مردان و زنان متأهل شهر زابل	پیمایش	مردان بیشتر خشونت روانی، اجتماعی، جنسی، فیزیکی، اقتصادی و زنان بیشتر خشونت اجتماعی، اقتصادی، جنسی، فیزیکی و روانی را تجربه می‌کنند. همچنین خشونت خانگی با متغیرهای همدلی، همفکری، تجربه خشونت در دوران کودکی، حمایت اجتماعی، قدرت اقتصادی و دینداری رابطه‌ای معناداری دارد؛ همه‌ی این متغیرها ۵۴ درصد از تغییرات متغیر وابسته (خشونت خانگی) را تبیین کرده‌اند.

۱۸	طالب پور	مقاله	۱۳۹۶	عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تأکید بر همسر آزاری مردان	۱۱۰۰ نفر از ساکنین استان اردبیل	پیمایش	میزان همسر آزاری در کلیه مناطق استان اردبیل ۲۹٫۶ درصد می‌باشد با بررسی ابعاد خشونت علیه زنان مشخص شد؛ خشونت مالی با ۳۳٫۲ درصد بیشترین نوع خشونت علیه زنان و خشونت فیزیکی با ۲۷٫۲ درصد کمترین نوع خشونت اعمال شده علیه زنان در سطح استان می‌باشد. همچنین در این تحقیق خشونت روانی علیه زنان حدود ۲۹ درصد و خشونت جنسی حدود ۲۹٫۲ درصد در سطح استان اردبیل برآورد گردیده است. نتایج تحلیل رگرسیون تبیین عوامل مؤثر بر همسر آزاری، نشان دادند؛ متغیرهای مستقل؛ نوع روابط قدرت در خانواده به میزان (-۰٫۲۴۹) دخالت خویشاوندان به میزان (۰٫۱۹۹)، تحریک شوهر به میزان (۰٫۱۸۲)، تراکم صمیمیت زوجین به میزان (-۰٫۱۵۹)، اعتماد بین زوجین به میزان (۰٫۱۲۹)، یادگیری خشونت در خانواده مبدأ به میزان (۰٫۰۸۹)، جامعه‌پذیری جنسیتی به میزان (۰٫۰۴۶) و ناسازگاری پایگاه خانوادگی زوجین به میزان (-۰٫۰۰۹) منجر به تغییر در میزان خشونت علیه زنان می‌شود. متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع توانسته‌اند ۵۰ درصد از تغییرات متغیر تابع را تبیین نمایند.
۱۹	کریمی	پایان نامه	۱۳۹۷	پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان	۱۵ زن شهرستان سنندج که تجربه خشونت همسر را داشتند	پدیدارشناسی	یافته‌های حاصل از پژوهش حاضر در زمینه علل تحمل خشونت توسط زنان قربانی خشونت خانگی نشان داد که این گروه از زنان متأثر از علل و عوامل مختلفی نظیر هراس‌ها و بدکارکردی‌های روانشناختی (عزت نفس پایین، درماندگی آموخته شده، دلبستگی اضطرابی، امید به بهبود شرایط در آینده، ترس از بیهوش شدن، ترس از تنهایی، بخشش و اعتماد ناپایدار، وابستگی عاطفی به همسر، پذیرش خشونت با هدف حمایت از فرزندان)، اجبار و بازدارنده‌های خانواده پدری (عدم پذیرش از طرف خانواده پدری، سرزنش‌ها و تحقیرهای خانواده پدری، عدم حمایت و طرد شدن از جانب خانواده پدری و پرتنش بودن خانواده پدری، نوع و فرآیند ازدواج)، فقدان استقلال مالی (وابستگی اقتصادی به شوهر، فقدان شغل و ضعف اقتصادی خانواده پدری) و بازدارنده‌های اجتماعی (حفظ آبروی اجتماعی، ترس از تضعیف جایگاه اجتماعی و ترس از انگ اجتماعی) خشونت اعمال شده توسط شوهرشان را تحمل کرده و با آن کنار می‌آیند
۲۰	یوسف زاده	پایان نامه	۱۳۹۷	پیشایندها و پسایندهای خشونت خانگی علیه زنان	نمونه ۴۰۰ نفره از زنان متأهل در شهر مشهد	پیمایش	بین ویژگی‌های زنان با خشونت خانگی علیه آنان رابطه معنادار وجود دارد، بطوریکه طراحواره‌های حوزه خودگردانی و عملکرد مختل دارای رابطه مثبت و معنی دار، تمایز یافتگی رابطه منفی و معنی دار، نقش جنسیتی زنانه رابطه مثبت و معنی دار و نقش جنسیتی مردانه رابطه منفی و معنی دار با خشونت خانگی علیه آنان دارد. از پیامدهای خشونت خانگی بر علیه زنان نیز کاهش بهزیستی روانشناختی و سرمایه اجتماعی است
۲۱	قزوینه و همکاران	مقاله	۱۳۹۷	توزیع فضایی خشونت های خانگی در شهر کرمانشاه	۴۳۳ نفر از شهروندان شهر کرمانشاه	پیمایش	بیشترین میزان خشونت در هر سه سطح (روانی، کلامی، فیزیکی) در میان مناطق فقیرنشین و حاشیه ای شهر متمرکز شده است. میزان بالای بیکاری و درآمد پایین، مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی که به طور گسترده در مناطق فقیر شهری وجود دارد، بر وقوع خشونت تأثیر مستقیم داشته است. بخش قابل توجهی از رواج برخی گونه های همسرگزینی ناشی از فقر اقتصادی و فقر فرهنگی است که به طور مستقیم با محلات شهری ارتباط مستقیم دارد
۲۲	کبیری و همکاران	مقاله	۱۳۹۷	عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان	۳۸۱ نفر از زنان متأهل ۱۵-۴۹ شهر ارومیه	پیمایش	رابطه خطی بین متغیرهای حمایت اجتماعی، احساس امنیت، سرمایه اجتماعی و اقتدار نامشروع مرد در خانواده با خشونت علیه زنان مورد تایید واقع شده است، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز نشان داد که متغیرهای مانده در مدل رگرسیونی توانستند ۲۴/۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین نمایند و در این بین، متغیر اعمال قدرت از سوی مرد در خانواده بیشترین سهم را در تبیین متغیر خشونت علیه زنان داشته است
۲۳	دانشگاه هاجتپه	طرح ملی	۲۰۰۹	وضعیت خشونت خانگی علیه زنان در ترکیه	۲۴۰۴۸ نفر از زنان کشور ترکیه	پیمایش	۳۹٪ از زنان در ترکیه در معرض خشونت جسمی، ۱۵٪ از آنها در معرض خشونت جنسی و ۴۴٪ از آنها در معرض خشونت عاطفی قرار دارند.
۲۴	الدساری	مقاله	۲۰۱۶	تأثیر بهداشتی خشونت خانگی بر زنان صعودی	۴۲۱ زن صعودی از طریق پرسشنامه اینترنتی	پیمایش	بین خصوصیات اجتماعی-جمعیت شناختی و سوء استفاده یا عدم سوء استفاده رابطه معنی داری وجود نداشت. با این حال، با تجزیه و تحلیل بیشتر، شاهد سوء استفاده جنسی بیشتر در بین زنان غیر شاغل بوده است. بین زنان مورد سوء استفاده و وضعیت سلامت عمومی، ویزیت پزشک، افسردگی، بی خوابی و علائم جسمی رابطه معنی داری وجود داشت
۲۵	اوشو و آگابفل	مقاله	۲۰۱۶	عوامل تعیین کننده خشونت خانگی علیه	۱۵۲۴ زن متأهل در کشور غنا	پیمایش	۳۳٫۶٪ خشونت خانگی را تجربه کرده بودند. خطر بروز خشونت خانگی برای زنانی که در مناطق شهری ساکن هستند ۳۵٪ بود. خطر خشونت خانگی برای زنانی که همسرانشان تا به حال پدرشان را در ضرب و شتم مادرشان تجربه کرده بودند، ۴۱ درصد بیشتر بود. زنانی که مادرشان پدرشان را کتک زده است، سه برابر بیشتر از زنانی که مادرشان پدرشان را مورد

ضرب و شتم قرار نگرفته، خشونت خانگی را تجربه کردند. خطر بروز خشونت خانگی در خانمها ۴۸٪ کمتر بود در مقایسه با زنانی که همسرانشان هرگز تحصیلات رسمی نداشتند. زنانی که همسرانشان مشروبات الکلی می نوشند، در مقایسه با زنانی که همسرشان الکل نمی نوشند، ۲٫۵ برابر بیشتر از آن در معرض خشونت خانگی بودند			زنان در غنا			
نمره ۳۰٪ از زنان از مقیاس میانگین خشونت خانگی بالاتر بوده و بیش از سایرین در معرض خشونت قرار گرفته اند. از نظر آماری تفاوت معنی داری بین میانگین نمره از مقیاس خشونت خانگی علیه زنان و متغیرهای سن، تحصیلات، وضعیت اشتغال، بیمه اجتماعی، وضعیت مهاجرت، محل سکونت، سن زناشویی، سال ازدواج وجود دارد.	پیمایش	۱۷۶۰ زن بالای ۱۸ سال استان مانیسای ترکیه	عوامل خشونت خانگی در ترکیه	۲۰۱۷	مقاله	سن و بوسلوی
خشونت شریک زندگی، جسمی و یا جنسی را با نرخ هایی از ۱۴٪ - ۱۷٪ از زنان در برزیل، پاناما و اروگوئه تا بیش از ۵۸٫۵٪ در بولیوی تجربه کرده اند. شیوع خشونت شریک زندگی جسمی و / یا جنسی در سال گذشته از ۱٫۱٪ در کانادا تا ۲۷٫۱٪ در بولیوی بود	مرور نظامند	نتایج نظرسنجی در ۲۴ کشور جهان	مرور نظامند و تجزیه و تحلیل مجدد تخمین های شیوع ملی خشونت شریک زندگی در قاره آمریکا	۲۰۱۹	مقاله	بات و همکاران
شیوع خشونت شریک زندگی گزارش شده از ۶٪ به بیش از ۵۹٪ (فیزیکی) بود. از ۳ تا ۴۰٪ (جنسی)؛ و از ۵ تا ۹۱٪ (عاطفی / روانی). روشها و تعاریف عملیاتی خشونت، به ویژه برای خشونت شریک زندگی عاطفی / روانی، بسیار متفاوت است.	مرور نظامند	داده های شیوع خشونت شریک زندگی در بازده کشور عربی، در سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶	مرور نظامند شیوع خشونت شریک زندگی علیه زنان در جهان عرب	۲۰۱۹	مقاله	الگوسین و همکاران

بررسی و نقد پیشینه تجربی خشونت خانگی

با توجه پژوهش های داخلی و خارجی در پیشینه فوق، نکات زیر قابل طرح است:

۱. خشونت خانگی هر شکلی از خشونت اعم از کلامی، روانی، فیزیکی، جنسی و.. است که توسط هر یک از اعضای خانواده از جمله شوهر، صرف نظر از اینکه کجا اتفاق افتاده باشد، روی می دهد. سایر اصطلاحاتی که استفاده می شود از جمله همسرآزاری، شوهر آزاری، خشونت خانوادگی کاملاً مترادف نیستند و هر کدام بر یک گروه و جامعه هدف بیشتر تاکید دارند. خشونت خانوادگی به شکل گسترده تری از خشونت اشاره دارد که علاوه بر رفتار خشونت آمیز بین زوجین بر کودک آزاری و سالمند آزاری و روابط خشونت آمیز بین والدین و فرزندان نیز تاکید دارد که به این ابعاد چندگانه خشونت خانوادگی کمتر توجه شده است.

۲. در بررسی اولیه تعداد قابل توجهی از پژوهش ها مشاهده شد که صرفاً به سراغ زنان آسیب دیده رفته اند، روشن است که نتایج آن پژوهش ها قابل تعمیم به کل افراد آن شهر نبود و بنابراین با توجه به هدف این پژوهش از پیشینه کار کنار گذاشته شد. همچنین جامعه آماری پژوهش های ذکر شده غالباً شامل زنان و دختران بوده است.

۳. در ارتباط با گستره جغرافیایی جامعه هدف در پژوهش‌های ذکر شده نیز می‌توان گفت، به غیر از پژوهش قاضی طباطبایی و همکاران (۱۳۸۳) هیچ پژوهشی که وضعیت خشونت خانگی را در جامعه ایران به طور کلی مشخص کند مشاهده نشد. در گزارش در دسترس از همین کار هم نوع گزارش خشونت خانگی به شکل درصد است به شکلی که اگر در یکی از ابعاد مختلف خشونت خانگی فردی به یک گویه ۶ گزینه ای (اصلا، خیلی کم، کم، تاحدی، زیاد، خیلی زیاد) پاسخی جز اصلا داده است جز آمار درصد کلی خشونت خانگی محاسبه شده است. به عبارتی در گزارش در دسترس از این کار شدت خشونت آورده نشده بلکه فقط وجود خشونت توصیف شده است و همین گزارش در دسترس هم مبنای ارجاع در بسیاری از پژوهش‌ها بوده است.

۴. به لحاظ هدف و روش انجام پژوهش هم می‌توان گفت که در بیشتر پژوهش‌ها (بخصوص پژوهش‌های داخلی) وجود خشونت خانگی را پیش فرض گرفته‌اند و عوامل موثر و پیامدهای آن را مورد بررسی قرار داده‌اند و توصیف دقیقی از وضعیت خشونت در جامعه هدف کمتر به چشم می‌خورد.

۵. نحوه سنجش خشونت در پژوهش‌های گوناگون داخلی و خارجی متفاوت است و این مساله باعث می‌شود در سنجش ابعاد مختلف خشونت خانگی بازه گسترده و متفاوتی از نرخ‌ها را شاهد باشیم.

مبانی نظری پژوهش

در این بخش به مرور پنج دسته از نظریات مورد بحث در علوم اجتماعی در حوزه مسائل اجتماعی به طور عام و خشونت خانگی به طور خاص پرداخته می‌شود. این نظریات عبارتند از: منابع، یادگیری اجتماعی، نظارت اجتماعی، فشار اجتماعی و نظریات فمینیستی. در انتخاب این نظریات سعی شده به رویکردهای مختلف نسبت به این آسیب اجتماعی (خشونت خانگی) توجه شود.

۱. نظریه منابع

نظریه منابع یکی از اولین نظریه‌هایی بود که در حوزه خشونت خانگی به کوشش ویلیام گود مطرح گردید. بر پایه این نظریه، خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری دارای سلسله مراتبی از اقتدار است و هر کسی که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند دیگر اعضا را به فعالیت در جهت اهداف خود مجبور کند بر اساس این نظریه هرچه منابع در دسترس افراد بیشتر باشد کمتر از دیگران به اعمال قدرت به روش

خشونت فیزیکی دست می‌زنند زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت هستند اما افرادی که دارای رتبه پایین اجتماعی اقتصادی هستند از زور بدنی استفاده می‌کنند چون سایر منابع در اختیارشان برای رسیدن به اهدافشان ناکافی است (اعزاز، ۱۳۸۱: ۸). از دیدگاه گود فردی که منابع بیشتری در اختیار داشته باشد، عملاً از زور کمتری استفاده خواهد کرد زیرا با دستیابی به آن منابع دلیلی برای استفاده از زور در رسیدن به هدف‌هایش وجود ندارد. از نگاه وی، خشونت یک منبع نهایی است. این منبع (خشونت) در صورتی که منابع دیگر به کار نیایند مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دید نظریه پردازان منابع، تعادل قدرت میان زن و شوهر، ارتباط نزدیکی با منابعی دارد که هر کدام از آنها با خود به رابطه زن و شوهری می‌آورند. وقتی منابع مادی و غیرمادی، که در نگاه سنتی به عنوان ابزار در اختیار مرد قرار گرفته‌اند، به طریقی حذف گردند یا کاهش یابند، شوهران رو به همسرآزاری می‌آورند تا از این طریق قدرت از دست رفته خود را بازسازی کنند. بر اساس این نظریه، شوهرانی که پایگاه اجتماعی اقتصادی پایین‌تری در مقایسه با زنانشان دارند، به منابع کمتری دسترسی دارند لذا از خشونت به عنوان منبع متعادل کننده روابطشان با همسرانشان سود می‌جویند. بر اساس این دیدگاه، رابطه مستقیمی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی زن و قدرت وی در ساختار خانواده وجود دارد. براین اساس، هرچه پایگاه اجتماعی - اقتصادی زن در برابر شوهرش کاهش یابد، خودرأیی و نابرابری جنسیتی افزایش می‌یابد و زنان از عرصه تصمیمگیری کنار گذاشته می‌شوند. وقتی زنان نسبت به شوهرانشان منابع بیشتری در اختیار داشته باشند، توان آنها برای به کرسی نشاندن خواسته‌هایشان افزایش می‌یابد. این افزایش توان به خوبی در فرآیند تصمیمگیری درون خانواده رخ می‌نماید. زنانی که نسبت به شوهران خود از پایگاه اجتماعی - اقتصادی بالاتری برخوردارند، بیشتر در تصمیمگیری‌ها شرکت میکنند اما نباید از یاد برد که همین "شرکت در فرآیند تصمیمسازی درون خانواده"، با هنجارهای جامعه مردسالار سازگار نیست و می‌تواند به افزایش خشونت علیه زن منجر شود. از طرفی، منابع بیشتری که این زنان در مقایسه با شوهرانشان دارند، سبب می‌شود نسبت به بروز خشونت حساس‌تر گردند. به بیانی دیگر، همزمان با افزایش منابع زنان متأهل، قدرت آنان نیز افزایش می‌یابد. مسلماً این جابه‌جایی در توزیع قدرت با عقاید پدرسالارانه جامعه سازگار نیست. بنابراین، هرچه زنان نسبت به شوهرانشان به منابع بیشتری از قبیل درآمد بیشتر و تحصیلات بیشتر دست یابند، هنجارهای سنتی را بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و بیشتر با استفاده شوهر از خشونت برای پایداری سلطه مردانه مخالفت خواهند ورزید (علیوردی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۴).

۲. نظریه یادگیری اجتماعی

نظریه یادگیری اجتماعی از جمله نظریات رفتارگرایانه در روانشناسی است که توانسته است به تبیین و توضیح بسیاری از رفتارهای غیر قابل توضیح در قالب نظریه پایه رفتارگرایی، یا همان یادگیری از طریق شرطی شدن، توفیق یابد. برخلاف نظریه شرطی شدن که یادگیری را امری مکانیکی و صرفاً واکنشی در مقابل تجربه مستقیم محرک محیطی می‌پندارد، نظریه یادگیری اجتماعی بر آنست که یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران و الگو قراردادن نیز امکان پذیر است. تفاوت مهم دیگری هم بین این دو نظریه وجود دارد که از امتیازات نظریه یادگیری اجتماعی محسوب می‌شود، و آن عبارتست از توانایی عدم بروز رفتار یاد گرفته شده توسط انسان که مستند و مسبوق به توانایی پیش‌بینی نتیجه بروز رفتار با استفاده از فرایندهای شناختی است. خلاصه اینکه محرک‌های خارجی در بروز رفتاری خاص در آدمیان تاثیر یکسان ندارند و آنچه که اهمیت دارد و تعیین کننده است مفهومی است که فرد از محرک خارجی می‌سازد و محرک به خودی خود تنظیم کننده رفتار نیست (ثنایی، ۱۳۶۸: ۱۱). همچنین می‌توان گفت که «محرک» به عنوان یک رخداد صرفاً خارجی و کنترل کننده جای خود را به این نظر داده است که محرک، نشانه‌ای است که به افراد کمک می‌کند تا راجع به اعمال خود تصمیم بگیرند. لذا مفهوم شخص از محرک (یعنی نگرش فرد به محرک)، نه محرک به خودی خود، تنظیم کننده رفتار است. به عقیده نظریه پردازان یادگیری اجتماعی که بر شناخت تکیه می‌کنند. انسان در طی زمان روی اطلاعات ناشی از تجارب خویش کار می‌کند و آنها را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد، و از این رو اسیر رخدادهای محیط نیست. انسان در طول رشد، انتظارات خود را درباره رخدادهای آینده می‌سازد و بازسازی می‌کند. عواقب احتمالاً مثبت یا منفی اعمال گوناگون را تخمین می‌زند و بر این اساس هر انسانی استانداردهای خود را تدوین می‌کند. استانداردهایی که مبنای ارزیابی او از رفتار خود، پاداش دادن به رفتار خود و ایجاد انگیزه شخصی قرار می‌گیرد. لذا نظریات جدید یادگیری اجتماعی از سایر دیدگاه‌های یادگیری رفتاری فاصله گرفته‌اند. آنها اهمیت اساسی را به شناخت و اندیشه انسان می‌دهند. انسان از اموری که فوق قابلیت‌های اوست و فشار روحی ایجاد می‌کند، دوری می‌جوید و به تجسس و انجام کارهایی می‌پردازد که در حیطه قدرت و توانایی او باشد. «سایرین» در رشد و تکامل انسان نقش عمده‌ای دارند. عمل، و بیان دیگران منبع اطلاعاتی است که انسان در حال رشد از آنها برای قضاوت کردن و شکل دادن به انتظارات خود از خویش و جهان اطراف استفاده می‌کند. (ثنایی، ۱۳۶۸: ۱۸).

از دیدگاه "بندورا" رفتار از طریق تقلید (تقلید رفتار اعضای خانواده یا دیگران) و هم از طریق تجربه‌های مستقیم فراگرفته می‌شود. اگر ارائه این رفتار در محیطی باعث برطرف کردن نیاز برای رسیدن به هدفی گردد

احتمال بروز آن حتی بدون وجود پاداش هم زیاد خواهد بود به خصوص اگر این رفتار را الگویی ارائه دهد که برای مشاهده گر ارزش و اهمیت داشته و پایگاه بالایی نیز داشته باشد (شکرپیگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۸). اشترواس^۱ و همکاران مراحل زیر را در یادگیری خشونت از طریق خانواده مشخص کرده اند: الف - یادگیری این موضوع که افرادی که یکدیگر را دوست دارند به هم رفتار خشونت آمیز نیز دارند. ب - نبود منع اخلاقی در مورد خشونت ج - مجاز بودن خشونت در صورت نبود راه حل دیگری. فرد تحت تاثیر خانواده به تدریج نقشهای جنسیتی را فرا می گیرد. دختران می آموزند که نقش جنسیتی زن بزرگسال همراه با پذیرش و فرودست و وابستگی به مرد است و پسران نیز می آموزند که مردان برتر از زنان هستند و باید به دنبال امیال و آرزوهای خود باشند. خانواده مکانی مقدر و زمین تمرین برای مشاهده و تجربه آموزی رفتار توأم با خشونت است. در روند جامعه پذیری که در خانواده رخ می دهد، فرد با رفتار خشونت آمیز آشنا می شود (اعزازی، ۱۳۸۱: ۶۱) پس بر اساس نظریه یادگیری اجتماعی افراد رفتارهای خشن را با مشاهده یاد می گیرند و اگر این گونه رفتارها مورد تنبیه قرار نگیرد و برعکس مورد تشویق واقع شود، تقویت می گردد و ادامه می یابد. برای مثال پسری که می بیند پدرش مادرش را می زند احتمال اینکه در آینده همسرش را بزند، زیاد است. بنابراین خشونت به واسطه قرار گرفتن در معرض ارزش های اجتماعی و اعتقادات راجع به نقش های زنان و مردان یاد گرفته می شود (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

۳. نظریه کنترل اجتماعی

دیدگاه کنترل اجتماعی بر این عقیده است که افراد اصولاً دارای قابلیت بهنجار بودن یا نابهنجار بودن هستند. نکته اصلی این است که جامعه چه رفتاری با فرد داشته باشد. رفتار بهنجار و نابهنجار تنها در درون جامعه دارای معنی است و هر جامعه ای سعی می کند که هنجارهای خود را بر فرد تحمیل کند. هیرشی که مهمترین پایه گذار این نظریه است موضوع پیوند اجتماعی را مطرح می سازد. او بر این اعتقاد است که کج رفتاری زمانی واقع می شود که پیوند میان فرد و جامعه ضعیف باشد یا گسسته شود. هیرشی معتقد است که چهار عنصر اصلی باعث پیوند فرد و جامعه می شوند: وابستگی^۲ تعهد^۳ درگیری^۴ و اعتقاد^۵ (ممتاز، ۱۳۸۱).

۱. وابستگی

۱. Strauss

۲. Attachment

۳. Commitment

۴. Involvement

۵. Belief

هنجارها شیوه‌های پذیرفته شده رفتار نزد مردم یک جامعه هستند. از نظر هیرشی مبنای اصلی درونی کردن هنجارها، وابستگی به دیگران است. به تدریج که فرد به دیگران وابسته می‌شود، احتمال بزهکار شدن او بسیار کمتر می‌شود. نخستین وابستگی‌ها و تعاملات با والدین است، و به دنبال آن وابستگی به همقطاران، معلمان، رهبران مذهبی، و سایر اعضای جامعه بروز می‌کند. هیرشی مفهوم وابستگی را بر مفهوم درونی‌سازی ترجیح می‌دهد، چون وابستگی را می‌توان مستقل از رفتار انحراف‌آمیز اندازه‌گیری کرد، ولی درونی‌سازی را نمی‌توان به این صورت مورد سنجش قرار داد (ممتاز، ۱۳۸۱).

۲. تعهد

تعهد، جزء عقلانی در رعایت هنجارها می‌باشد. به طور کلی، مفهوم آن ترس از رفتار قانون‌شکنانه است. وقتی که فرد به فکر انجام رفتار منحرفانه یا مجرمانه می‌افتد، باید خطرات از دست دادن سرمایه‌گذاری قبلی خود در زمینه‌ی رفتار متعارف را در نظر بگیرد. در صورتی که فرد توانسته باشد آوازه‌ی مثبتی از خود بر جای بگذارد، تحصیلات ارزشمندی به دست آورد، خانواده‌ی حمایت‌کننده‌ای به وجود آورد، و یا اعتبار و شهرتی در دنیای تجارت به هم بزند، با نقض قانون ضرر هنگفتی را متحمل خواهد شد. مجموعه‌های اجتماعی که فرد در سرتاسر عمر خود انباشت می‌کند، نشان‌دهنده‌ی ضمانت به جامعه است که این فرد به ارزش‌های متعارف، متعهد است. او با نقض قانون چیزهای بیشتری را از دست می‌دهد. نه تنها فرد با چیزهایی که به دست آمده است، به رعایت هنجارها متعهد می‌شود، بلکه حتی امید به دست آوردن دارایی به طرق متعارف می‌تواند تعهد فرد را به پیوندهای اجتماعی تقویت کند. در مقابل کسی که رفتاری می‌کند که چیزی ندارد که از دست دهد (ممتاز، ۱۳۸۱).

۳. درگیری

دخالت در فعالیت‌های متعارف بیانگر ویژگی درگیر بودن است. هیرشی معتقد است که وقتی فرد درگیر فعالیت‌های متعارف باشد، وقتش به قدری گرفته می‌شود که نمی‌تواند به رفتار انحراف‌آمیز کشیده شود. این تفکر که «دست بیکار، کارگاه شیطان است» در واقع دلیل اصلی این گفته‌ی هیرشی است که می‌گوید: «کودکی که پینگ‌پنگ بازی می‌کند، در استخر عمومی شنا می‌کند، یا تکلیفش را انجام می‌دهد، دست به اعمال بزهکارانه نمی‌زند». هیرشی معتقد بود که چنین فردی کمتر فرصت انحراف پیدا می‌کند. مفهوم درگیری سرچشمه‌ی برنامه‌هایی با تمرکز بر فعالیت‌های تفریحی مثبت برای پر کردن اوقات فراغت نوجوانان بوده است (ممتاز، ۱۳۸۱).

۴. اعتقاد

ویژگی اعتقاد، به وجود یک سیستم ارزشی مشترک در جامعه‌ای که هنجارهایش نقض می‌شوند، اشاره دارد. نظرات و تصوراتی که وابسته به تقویت مداوم اجتماعی هستند، مشتمل بر اعتقاد هستند احتمال اینکه یک فرد هنجارهای اجتماعی را رعایت کند، اگر به آنها اعتقاد داشته باشد، بیشتر است. هیرشی معتقد بود که افراد از نظر عمق و میزان اعتقاد با یکدیگر تفاوت دارند، و این تغییرات بستگی به میزان وابستگی به سیستم‌هایی دارد که نشان دهنده‌ی اعتقادات مورد نظر هستند. می‌توان نتیجه گرفت که بر مبنای این نظریه هرچه افراد کمتر وابسته، متعهد، درگیر و معتقد باشند "پیوند" آنها با جامعه سست‌تر است و احتمال کجرفتاری بیشتر خواهد بود (ممتاز، ۱۳۸۱).

در جمع بندی می‌توان گفت که نظریه کنترل اجتماعی بر وجود جرم و رفتار خشونت‌آمیز در انسان چه دارای انگیزه‌های درونی باشد و چه از طریق عوامل محیطی به وجود آید تاکید می‌ورزند در این نظریه این اصل حاکم است که افراد برای رسیدن به هدفی یا دستیابی به اقتدار در برابر دیگران به استفاده از زور و قدرت تمایل دارند اصل دوم این است که کنترل اجتماعی به مثابه مانعی در سر راه اقتدار و خشونت قرار می‌گیرد زیرا از آن جا که انسان بدون وجود محدودیت‌های اجتماعی به جرم و جنایت و رفتار نابهنجار تمایل دارد جامعه باید سازوکار (مکانیسم) نظارت بر آنها را بوجود آورد. در این نظریه برای انجام رفتار بزهکارانه وجود فشار خارجی ضرورت ندارد بلکه نبود کنترل اجتماعی باعث بروز چنین رفتاری می‌شود. در خانواده با غیبت نهادهای نظارتی دولتی روبرو هستیم و علاوه بر آن وجود نگرش تقسیم قدرت بر حسب جنس است که وجود این عوامل بروز خشونت را تسهیل میکند. اکثر اوقات زنان و کودکان گمان می‌کنند تنها راه از میان برداشتن خشونت انطباق رفتار و علایق خود با درخواستهای شوهر و پدر است این پدیده، کنترل از طریق همراهی نامیده شده است (شکرپیگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۸).

۴. نظریه فشار اجتماعی

سوال اصلی در نظریه فشار این است که چرا مردم کجرفتاری می‌کنند و پاسخ کلی این نظریه به این سوال این است که عواملی در جامعه برخی مردم را تحت فشار قرار می‌دهند و آنان را مجبور به کجرفتاری می‌کنند. رابرت مرتن این فشار را ناشی از عدم توانایی شخص در دستیابی به اهداف مقبول اجتماعی می‌داند. آلبرت کوهن ناکامی در رسیدن به جایگاه بالا در جامعه را عامل فشار می‌شمارد و کلوارد و آلین عدم برخورداری اشخاص از فرصت‌های نامشروع برای نیل به هدف را وارد کننده فشار بر افراد و راندن آنان به سوی کج رفتاری می‌داند (صدیق سروسستانی، ۱۳۸۷: ۴۴).

نظریه‌های فشار از جمله نظریه‌های ساختاری هستند که به دلیل داشتن محدودیتهایی در معرض انتقاد شدید قرار گرفته‌اند. به دنبال این انتقادات، رابرت اگنیو^۱ از جمله کسانی بود که به حمایت از این نظریه برآمد و برای پاسخ به این انتقادات نظریه مذکور را مورد بررسی مجدد قرار داد و دوباره تدوین کرد. مخربترین عاملی که موجب سقوط نظریه فشار کلاسیک گردید، پشتیبانی تجربی ضعیف آن در سطح فردی بوده است. در نظریه فشار کلاسیک، محققان معمولاً فشار را به عنوان شکاف بین آرزوها و انتظارات شغلی و آموزشی بررسی کردند که حمایت از نظریه فشار در این شکل ضعیف بوده است. با این حال، گرچه برخی از تحقیقات از طریق سنجش فشار به عنوان شکاف بین اهداف اقتصادی و آرزوهای تحصیلی از تئوری فشار حمایت کردند، قدرت تبیینی متغیرهای فشار در ارزیابی با متغیرهایی از سایر تئوریه‌ها (مثل تئوری کنترل و یادگیری اجتماعی) ضعیف بوده است. در تلاش برای احیای مجدد تئوری فشار در سطح فردی، اگنیو در سال (۱۹۹۲) نظریه فشار عمومی را در ادامه نظریه‌های قبلی فشار توسعه داد. مطابق با نظریه فشار عمومی، فشار به عنوان روابط منفی با دیگران تعریف می‌شود: روابطی که در آن دیگران آنگونه که فرد می‌خواهد با او رفتار شود، رفتار نمی‌کنند. برخلاف نظریه‌های فشار پیشین که بر فشار اقتصادی متمرکز بودند، اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید داشت. از این رو، وی در نظریه فشار عمومی خود به سه منبع اصلی فشار اشاره میکند که این منابع عبارتند از:

۱. فشار ایجاد شده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت

بر اساس اولین جزء از نظریه فشار عمومی اگنیو، افرادی که در رسیدن به اهداف ارزشمند مثبت خود شکست می‌خورند، فشار را تجربه خواهند کرد. این نوع از فشار خود به سه مقوله فرعی تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از: الف) گسست میان آرزوها و توقعات؛ ب) گسست میان توقعات و دستاوردهای واقعی؛ ج) گسست میان پیامدهای مورد انتظار و پیامدهای واقعی.

۲. حذف محرک‌های ارزشمند مثبت

دومین منبع فشار، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت را در بر می‌گیرد. این نوع از فشار شامل ترس از دست دادن یا از دست دادن واقعی محرک‌های ارزشمند مثبت است. افراد ممکن است سعی کنند تا از دست دادن این محرک‌ها جلوگیری کنند و در نتیجه ممکن است خودشان را در اعمال خلاف درگیر کنند. برای مثال، از دست دادن دوست پسر یا دوست دختر، مرگ یا بیماری و خیم یک دوست، انتقال به یک مدرسه جدید، طلاق یا

۱. Agnew

جدایی والدین، اخراج شدن از مدرسه و وجود شرایط ناسازگار متنوع در کار می‌تواند موجب فشار باشد. به طور کلی، هنگامی که فرد سعی در مقابله با حذف محرک مثبت دارد، یا به دنبال انتقام از کسانی است که آن انگیزه مثبت را از او گرفتند و یا زمانی که سعی در جایگزین کردن آن با استفاده از مواد غیرمجاز دارد، نتیجه آن ممکن است بزهکاری باشد.

۳. حضور محرک‌های منفی

سومین منبع فشار، از طریق مواجهه با محرک‌های منفی یا مضر ایجاد می‌شود. محرک‌های مضر یا منفی، موقعیت‌های قدرتمندی هستند که افراد، خصوصاً جوانان، به آسانی نمی‌توانند از آن اجتناب کنند. مثال‌هایی از چنین محرک‌هایی، شامل: کودک آزاری، قربانی تبهکاری شدن، تنبیه بدنی، زدو خورد بین همسالان، شکست تحصیلی و حوادث تنش‌زای زندگی، از تهدیدهای زبانی تا آلودگی هوا است. داده‌های زیادی بیانگر این هستند که ارائه محرک‌های مضر ممکن است، به تجاوز و سایر پیامدهای منفی در شرایط معین منجر شود؛ حتی زمانی که فرار قانونی از چنین محرک‌هایی امکان‌پذیر باشد. زمانی که جوان تلاش می‌کند تا: ۱. از محرک‌های منفی اجتناب یا فرار کند؛ ۲. محرک‌های منفی را کاهش دهد و یا پایان بخشد؛ ۳. دنبال جایگزینی برای منبع انگیزه منفی یا اهداف مرتبط با آن باشد؛ ۴. از طریق استعمال غیرقانونی مواد مخدر پیامد آثار محرکات منفی را خنثی کند. محرک مضر ممکن است به بزهکاری منجر شود (علیوردی نیا و یوسفی، ۱۳۹۳: ۶۶).

به طور کلی در نظریه فشار اجتماعی مشکلات اقتصادی، بیکاری، کمبود درآمد؛ معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده شده، گاهی اوقات این فشارها منجر به رفتارهای خشونت آمیز می‌شود. از طرفی ممکن است خشونت خود راهی برای برخورد با این فشارها باشد. تحقیقات نشان می‌دهد که خانواده‌های فقیر و کم درآمد خشونت‌های خانگی بیشتری را تجربه می‌کنند. و این امر به خاطر فشار و تنش‌هایی است که در مورد بیکاری، فقر و کمبود درآمد ایجاد می‌شود (سلزر و کالموس، ۱۹۸۸؛ آنشر سل، ۱۹۹۲؛ به نقل از صادقی، ۱۳۸۹). البته نباید از وجود خشونت در میان سایر طبقات اجتماعی غافل ماند، زیرا طبقات متوسط و بالا، بیشتر قادرند این مسائل را در زیر نقاب پنهان کنند و یا آنها را حاشا نمایند (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۱۸).

۵. نظریه فمینیستی

همان‌گونه که اندیشه‌های فمینیستی دیدگاه‌های متفاوتی در مسائل زنان و ریشه‌های مشکلات آنها دارند، درباره خانواده نیز نگاه فمینیستی یکسانی وجود ندارد. در موج اول، خانواده به ندرت به عنوان یک نهاد زیر سؤال

می‌رفت؛ اما در موج دوم، نگاه اکثریت فمینیست‌ها به خانواده بسیار انتقادی بود و بیشتر به نقش خانواده در فرودستی زنان توجه می‌کردند. استدلال کلی آنها این بود که موقعیت زنان به عنوان همسر و مادر و همچنین فرایند جامعه‌پذیری در خانواده، که نگرش‌های مربوط به زن و مرد و زنانگی و مردانگی را به نسل‌های بعد منتقل می‌کنند، نقش اصلی را در فرودست‌سازی زنان و تداوم تقسیم کار مرزهای جنسیتی و روابط قدرت میان زن و مرد دارند.

در رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم‌آلود است که باید دگرگون شود. دگرگونی در ساختار خانواده و سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش ویژه مادران در نهاد خانواده، از اصول برنامه‌های بیشتر فمینیست‌هاست. به عقیده دوپوار^۱ آنچه زن را در قید بندگی نگه می‌دارد، دو نهاد عمده ازدواج و مادری است. وی نظام خانواده را به عنوان رکنی برای حیات اجتماعی و پرورش انسان‌های سالم به شدت مورد حمله قرار می‌داد و ازدواج را نوعی «فحشای عمومی» و عامل بدبختی زنان می‌دانست و با تولیدمثل و شکل رایج روابط جنسی به عنوان مسائل اساسی جنبش فمینیسم مخالفت می‌کرد (چراغی، ۱۳۸۷: ۹۲).

صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که دلیل اصلی خشونت وجود ساختارهای اقتداری پدرسالارانه در جامعه است. نهاد خانواده در حکم نهاد مرکزی پدرسالاری براساس نابرابری‌های اجتماعی و استثمار زنان و کودکان بنا نهاده شده است و ایدئولوژی‌های جامعه می‌کوشند آن را حفظ کنند. از دید آنها خشونت مردان انعکاس و آشکار سازی نظامی از حاکمیت کلیه مردان جامعه بر کلیه زنان است که در شکل تاریخی و مقایسه تطبیقی دیده شده است. آنها خشونت مردان نسبت به زنان را رسم و قاعده زندگی می‌دانند و معتقد است که ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع بر اثر بی‌اعتباری و تحقیر و استثمار زنان شکل گرفته است. یکی از روشهایی که در روابط زناشویی سبب بی‌قدرتی زنان می‌شود بی‌ارزش جلوه دادن فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی زنان در جامعه و افزایش اقتدار مردان در زمینه ازدواج است. همچنین ناظران اجتماعی تقسیم وظایف را با توجه به محدود کردن آزادی تحرک زنان بر عهده گرفته‌اند و تا حد امکان نظارت را به مردانی محول می‌کنند که نقش پدر، شوهر و برادر را دارند (شکریگی و مستمع، ۱۳۹۳: ۱۵۹).

۱. de beauvoir

چارچوب نظری پژوهش

رویکردهای گوناگونی برای نگاه به مسائل اجتماعی جامعه ایران به طور عام و خشونت خانگی به طور خاص وجود دارد. در این بخش با استفاده از نظریات منابع، فشار اجتماعی، یادگیری اجتماعی، و فمینیستی به تبیین وضعیت خشونت خانگی در چارچوب ابعاد مختلف خانواده ایرانی پرداخته خواهد شد.

بر مبنای نظریه منابع، خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری دارای سلسله مراتبی از اقتدار است و هر کسی که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند دیگر اعضا را به فعالیت در جهت اهداف خود مجبور کند. براین اساس در جامعه ایرانی که در حال گذار از بافت سنتی به مدرن است هرچه اشخاص (بخصوص زنان با گرایش‌های فمینیستی) به منابع بیشتری از قبیل درآمد، تحصیلات، و به طور کلی پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتری دست یابند، هنجارهای سنتی را که در تقابل با منافع و حقوق خود می‌دانند، بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و این زیر پا گذاشتن هنجارها در تقابل با هنجارهای جامعه مردسالار باعث افزایش موارد اختلاف و تعارض بین زوجین خواهد شد و اگر در شیوه‌های حل اختلاف، یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری صورت نگرفته باشد یا اینکه این یادگیری اجتماعی به شکل معکوس و با مشاهده خشونت بین والدین در خانواده پدری و الگوپذیری فرد از والدین صورت گرفته باشد، این تغییر در ساختار قدرت در کنار تضاد هنجاری یا ارزشی زمینه ساز خشونت خانگی می‌شود. از طرفی انتظار می‌رود با افزایش طول مدت ازدواج و سن، زوجین به تدریج به توفقاتی در تعامل با یکدیگر دست یابند و میزان خشونت بین زوجین کاهش یابد.

در نظریه فشار عمومی اگنیو بر پیچیده بودن فشار در جامعه مدرن تأکید می‌شود. از این رو، در نظریه فشار عمومی وی با توسعه نظریات قبلی فشار بر سه منبع اصلی فشار اشاره می‌شود که این منابع عبارتند از: فشار ایجاد شده به خاطر شکست در دستیابی به اهداف ارزشمند مثبت، حذف محرک‌های ارزشمند مثبت، حضور محرک‌های منفی؛ بر این مبنا در مورد خانواده ایرانی می‌توان گفت که فشارهای اقتصادی موجود بر روی زوجین در خانواده ایرانی که به تبع آن فشارهای شغلی را با خود به همراه دارد و فشار شغلی به طریق گوناگون و از جنبه‌های مختلف، می‌تواند در نظام خانواده و ایفای نقش‌های زوجین اختلال ایجاد کند و منجر به خشونت بین زوجین گردد. از یک طرف فرد برای تامین معاش و اجتناب از بیکاری ممکن است تن به شغلی بدهد که آن را در شخصیت خود نداند و دچار تناقض بین نقش و شخصیت گردد. از طرف دیگر ممکن است کار کردن مرد به تنهایی برای تامین هزینه‌های زندگی کافی نباشد و لازم باشد جهت تامین مخارج و هزینه‌های زندگی، زن هم پای مرد کار کند. از طرف دیگر در فرهنگ جامعه ایرانی مرد را مسئول تامین معاش خانواده می‌دانند و این زن را دچار تناقض در هنجارهای نقش همسری می‌کند (کمک اقتصادی به شوهر یا حفظ عزت نفس او) از سوی دیگر در فضای فرهنگ جامعه ایران انجام کارهای خانه جز وظایف زن دانسته می‌شود و مردان کمتر در

امور خانه مشارکت می‌کنند و این خود موجب ایجاد گرانباری نقش‌های گوناگون زن و طاقت فرسا بودن آن برای او و یا منجر به تناقض در هنجارهای نقش‌های موقعیت‌های گوناگون (مثلاً هنجارهای نقش مادری و همسری در مقابل نقش کارمندی) می‌گردد (اوراعی و همکاران، ۱۳۹۸). از سوی دیگر کار کردن زوجین می‌تواند منجر به کاهش اختصاص زمان مناسب برای خانواده (به لحاظ کمی) و نوع رابطه با اعضای خانواده (به لحاظ کیفی) گردد. هر یک از این شرایط به طرق گوناگون و با افزایش تعارضات بین زوجین و در کنار شیوه‌های اعمال قدرت سلطه جویانه می‌تواند زمینه ساز خشونت خانگی بین زوجین گردد. به طور کلی بر مبنای این نظریه می‌توان گفت حذف هر ارزش مثبت یا حضور هر محرک منفی در نهاد خانواده می‌تواند با ایجاد فشار اجتماعی بر روی هر یک از اعضای خانواده، احتمال خشونت بین زوجین را افزایش دهد. از جمله این موارد می‌توان به کاهش اعتماد خانوادگی، کاهش رضایت جنسی در خانواده ایرانی اشاره کرد که می‌تواند باعث خشونت خانگی گردند و فشار ناشی از خشونت خانگی بین زوجین خود می‌تواند منجر به کاهش رضایت از زندگی، افزایش احتمال طلاق و افزایش رفتارهای انحرافی همچون روابط خارج از چارچوب خانواده و... گردد.

در ارتباط با خشونت خانگی و خانواده ایرانی باید توجه داشت؛ خشونت خانگی یک مفهوم کلی است که خود دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی است. خشونت خانگی یک تعامل است و برای فهم آن در فضای خانواده باید به این جنبه تعاملی بودن آن (بین زوجین) توجه شود. در حالی که غالباً فضایی که از این واژه در اذهان شکل گرفته بیشتر یکی از انواع خشونت (خشونت فیزیکی) و علیه یکی از اعضای (بیشتر زنان) را تداعی می‌کند در حالی که در جامعه امروز با توجه به تغییر شکل روابط و تعاملات در فضای خانواده (از سنتی به مدرن) باید به اشکال دیگر و جهت‌های دیگر آن (علیه مردان، فرزندان و والدین) نیز پرداخته شود.

فرضیات

بین مشاهده خشونت بین والدین و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

بین شیوه اعمال قدرت (تفاهم آمیز به سمت مجادله)^۱ و خشونت خانگی بین زوجین رابطه وجود دارد.

بین میزان تعارض بین زوجین و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

بین رضایت جنسی و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

بین نگرش به اعتماد خانوادگی و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.

۱. هرچه رابطه از حالت تفاهم آمیز به سمت مجادله برود متغییر اعمال قدرت افزایش می‌یابد

- بین فشارشغلی و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین طول مدت ازدواج و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین سن افراد و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین نگرش جنسیتی و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین میزان هزینه در خانواده و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین میزان تحصیلات زوجین و خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی رابطه وجود دارد.
- بین خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی با رضایت از زندگی رابطه وجود دارد.
- بین خشونت خانگی بین زوجین در خانواده ایرانی با احتمال طلاق رابطه وجود دارد.
- بین خشونت خانگی با انواع دیگر کج روی (روابط جنسی خارج از خانواده، فکر خودکشی، اقدام به خودکشی، مصرف سیگار) رابطه وجود دارد.

فصل ۳ روش پژوهش

روش تحقیق

پژوهش حاضر به دنبال تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ملی خانواده در موضوع خشونت خانگی است که در سال ۱۳۹۷ در سطح ملی اجرا شده است. لازم به ذکر است که در این پژوهش متغیرهای مورد سنجش از ترکیب برخی گویه‌های متغیرهای پیمایش ملی خانواده ایجاد شده و مبنای تحلیل قرار گرفته‌اند. دلیل اصلی استفاده از این روش، وسعت موضوعی و نظری پژوهش فوق می‌باشد؛ انجام یک مطالعه ملی را نمی‌توان جز با پشتوانه داده‌های سطح کلان و نتایج پیمایش‌های ملی انجام داد. همچنین از دیگر دلایل به کارگیری این روش؛ استفاده از یافته‌های این پیمایش در زمینه موضوع مورد مطالعه است که با صرف بودجه و هزینه بالا انجام گرفته‌اند. تحلیل ثانویه، می‌تواند استفاده از منابعی تلقی شود که تنها سازمان‌های دولتی توانایی فراهم آوردن آن‌ها را دارا هستند. این سازمان‌ها معمولاً تنها به تولید داده‌های خام در مقیاس وسیع اکتفا می‌کنند و تحلیل و تبیین یافته‌های آن‌ها را به کارشناسان و صاحب‌نظران آکادمیک در آن حوزه واگذار می‌کنند.

تحلیل ثانویه و نحوه آماده‌سازی داده‌ها

تحلیل ثانویه در دو سطح صورت می‌گیرد: سطح اول (تحلیل ثانویه داده‌های دست دوم)؛ داده‌های دست دوم داده‌های خاصی هستند که قبلاً توسط شخص دیگری گردآوری شده‌اند، یا به قصد جمع‌آوری اطلاعات کلی مثل سرشماری‌های دولتی و سایر آمارهای رسمی یا برای پروژه پژوهشی خاصی. در هر دو مورد، هدف اصلی از جمع‌آوری چنین داده‌هایی با مقاصد و اهداف استفاده کنندگان ثانوی تفاوت دارند (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). سطح دوم (تحلیل ثانویه داده‌های دست سوم)؛ داده‌های دست سوم یا توسط پژوهشگری تحلیل شده‌اند که آن‌ها را تولید کرده و یا توسط تحلیل‌گر داده‌های ثانویه مورد تحلیل قرار گرفته‌اند. در این حالت ممکن است دیگر داده‌های خام در دسترس نباشند بلکه فقط نتایج این تحلیل‌ها در اختیار باشد (همان). در این پژوهش، استفاده از تحلیل ثانویه داده‌های دست دوم صورت گرفته است.

نحوه آماده‌سازی داده‌های ثانویه برای تحلیل

با توجه به پیشینه تجربی و چارچوب نظری مورد استفاده در این پژوهش، توصیف وضعیت خشونت خانگی در ۵ به بعد (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی) صورت خواهد گرفت. همچنین در بررسی عوامل مؤثر خشونت خانگی بین زوجین، ۱۱ عامل در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، شناسایی شدند که مورد آزمون قرار خواهند گرفت. همچنین ۶ پیامد برای خشونت خانگی بین زوجین شناسایی شد. از آنجا که این پیمایش، سنجش عوامل با چند گویه صورت می‌گیرد و از طرفی در هر پیمایش سؤالات به گونه‌ای متفاوت طرح شده بودند و دارای گزینه‌های متفاوتی نیز بوده‌اند (برخی گویه‌ها تنها دارای گزینه بلی و خیر و برخی سه جوابی و یا پنج گزینه‌ای بوده‌اند)، جهت یکدست کردن گزارش و همچنین فراهم کردن امکان ساخت شاخص،

گویه‌های مورد استفاده به شیوه زیر هم جهت و هم مقیاس شدند: در گام نخست، جهت کلیه گویه‌های مورد استفاده برای هر شاخص یکسان شدند. در گام دوم، حاصل جمع گویه‌های هم جهت شده به عنوان شاخص سنجش تعریف شدند. و در گام سوم به منظور امکان مقایسه نمرات گویه‌های مرتبط با خشونت خانگی در خانواده و ابعاد آن و سهولت در فهم این نمرات، شاخص‌های مربوط به خشونت بین صفر تا صد مقیاس یافته‌اند^۱.

جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری در این پژوهش کلیه افراد بالای ۱۵ سال در جامعه شهری ایران در سال ۱۳۹۷ می‌باشد. حجم نمونه نیز شامل ۵۰۲۷ نفر است. که از این بین ۳۸۱۵ نفر متاهل و ۱۲۱۲ نفر مجرد هستند. در این پژوهش خشونت بین زوجین در بین متاهلین و خشونت بین والدین و فرزندان در بین مجردان سنجیده شده‌اند.

بررسی اعتبار و پایایی و تعریف عملیاتی عوامل

همان‌طور که ذکر شد، شاخص‌سازی و تعیین عوامل در این پژوهش با استفاده از گویه‌های پیمایش ملی خانواده و بهره‌گیری از شیوه اعتبار معیار و رجوع به متون علمی و استفاده از داوری اجتماع علمی صورت گرفته است. در باب پایایی این پژوهش هم با توجه به به‌کارگیری داده‌های ثانویه موجود و در دسترس در این پژوهش، می‌توان گفت که اگر سایر پژوهشگران به همین داده‌ها رجوع کرده و با همین روش به تحلیل داده‌ها بپردازند به همین نتایج دست خواهند یافت. در جدول ۲ شاخص‌ها و گویه‌های مورد استفاده به تفکیک آورده شده است:

جدول ۲ گویه‌ها و متغیرهای سازنده شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص	ابعاد	گویه‌ها و متغیرها
------	------	-------	-------------------

$$s = \frac{x - \min}{\max - \min} * 100$$

s: نمره متغیر در مقیاس جدید X: نمره متغیر در مقیاس قبلی

min: کمترین نمره متغیر در مقیاس قبلی max: بیشترین نمره متغیر در مقیاس قبلی

صورت کسر رابطه، تفاضل نمره متغیر و مقدار کمینه و مخرج کسر، تفاضل مقادیر بیشینه و کمینه شاخص می‌باشند. بر اساس این تغییر مقیاس، کمترین نمره‌ای که هر متغیر به خود اختصاص می‌دهد صفر و بیشترین مقدار ۱۰۰ می‌باشد (چلپی و جنادله، ۱۳۸۶: ۱۴۷؛ قاسمی، ۱۳۹۳: ۹۱).

فحش و ناسزا	کلامی	خشونت بین زوجین ^۱	۱
توهین به نزدیکان			
تحقیر کردن			
شک و تردید	روانی		
فریاد زدن			
کنترل مداوم			
تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر			
بی توجهی به همسر	فیزیکی		
کتک زدن			
پرتاب اشیاء			
تهدید با چاقو یا وسایل دیگر			
هل دادن	اقتصادی		
ندادن خرجی			
کنترل دائمی مخارج			
پنهان کردن میزان درآمد			
رابطه جنسی بدون رضایت	جنسی		
قطع رابطه جنسی			
رفتار جنسی غیر متعارف بدون رضایت			
اجبار به رابطه جنسی حین عادت ماهیانه			
قهر کردن	مشاهده خشونت بین والدین	۲	
دعوا و کتک کاری			
ندادن خرجی			
توهین			
تحقیر			

^۱. به جز بعد جنسی و دو گویه از بعد روانی (بی توجهی به همسر و تهدید به ارتباط جنسی با فرد دیگر) سایر ابعاد و گویه ها در مورد خشونت بین والدین و فرزندان نیز سنجیده شده اند.

تهدید		
من و همسر همیشه با گفتگو به تفاهم می‌رسیم.	شیوه های اعمال قدرت	۳
برای رسیدن به خواسته‌هایم، سعی می‌کنم کارهای دلخواه همسر را انجام دهم.		
اگر با گفتگو نتوانیم به تفاهم برسیم از خشونت و دعوا برای رسیدن به خواسته‌هایم استفاده می‌کنم.		
وقتی همسر با خواسته‌های من مخالفت می‌کند چاره‌ای جز تسلیم ندارم.		
اگر همسر با خواست یا تصمیم من مخالفت کند با قطع رابطه زناشویی سعی می‌کنم نظر او را تغییر دهم.		
گذران وقت با هم	میزان تعارض	۴
در مورد مسائل جنسی		
معاشرت با خانواده شما		
نحوه تربیت فرزندان		
حضور به موقع در منزل		
خرید لوازم منزل		
خرید لباس		
معاشرت با خانواده همسران		
مسائل دینی (نحوه پوشش، انجام فرائض دینی و...)		
شغل (نوع، ساعت...)		
سوء ظن نسبت به یکدیگر		
رضایت به طور کلی	رضایت جنسی	۵
تعداد دفعات رابطه		
در حال حاضر میزان خیانت در خانواده افزایش پیدا کرده است.	نگرش به اعتماد خانوادگی	۶
در حال حاضر دروغ گفتن در خانواده‌ها شایع شده است.		
در حال حاضر اعضای خانواده مسائل زیادی را از یکدیگر پنهان می‌کنند		
فشار کاری من معمولاً زیاد است	فشار شغلی	۷
حقوق من در مقابل کاری که انجام می‌دهم خوب است		
شغل من پذیرش و احترام اجتماعی دارد		
برای پرداخت هزینه‌های روزمره زندگی لازم است من و همسر کار کنیم.		

در زمان‌هایی که برای خانواده اختصاص دارد به امور کاری نمی‌پردازم.		
شغل من اجازه نمی‌دهد که به آن اندازه که دوست دارم با خانواده خود باشم.		
<p>زنان در تصمیم‌گیری‌های خود احساساتی عمل می‌کنند بنابراین نمی‌توانند به خوبی مردان تصمیم بگیرند</p> <p>مردان رئیس خانواده هستند و زنان در تصمیم‌گیری‌ها باید از آن‌ها تبعیت کنند</p> <p>زنان برای مدیریت امور داخلی خانه و مردان برای مدیریت امور اقتصادی و مسائل بیرون از خانه مناسب هستند.</p> <p>مردی که همسرش کار تمام وقت انجام می‌دهد باید به اندازه همسرش در انجام کارهای خانه وقت بگذارد</p> <p>نان آور خانه باید حتماً مرد باشد.</p> <p>در خانه حرف اول و آخر را باید مرد بزند</p> <p>بعضی‌ها معتقدند زنان نیز باید مثل مردان حق طلاق داشته باشند. شما با این موافقید یا مخالف؟</p> <p>بعضی‌ها معتقدند زن‌ها هم باید مثل مردان در تامین مخارج خانواده سهم داشته باشند، شما با این نظر موافقید یا مخالف؟</p> <p>تا چه اندازه با کار زنان در بیرون از خانه موافق یا مخالفید؟</p>	نگرش جنسیتی	۸
به طور کلی تا چه حد از زندگی خود راضی هستید	رضایت از زندگی	۹
در طول سال گذشته آیا شما و همسرتان در خصوص جدایی صحبت کرده‌اید؟	احتمال طلاق	۱۰

فصل ۴ یافته‌های پژوهش

داده‌های تحقیق حاصل نتایج پیمایش ملی خانواده در سال ۱۳۹۷ است که توسط ۵۰۲۷ نفر از شهروندان بالای ۱۵ سال جامعه ایران تکمیل گردیده و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس سطوح سنجش متغیرها و طیف‌ها انجام گرفته است؛ در این فصل ابتدا توصیفی از ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان ارائه خواهد شد و پس از آن به توصیف وضعیت شاخص خشونت خانگی بین زوجین و بین والدین و فرزندان به طور کلی و در ابعاد مختلف پرداخته خواهد شد. در بخش بعد به بررسی عوامل مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین و آزمون فرضیات تحقیق پرداخته می‌شود و به دنبال آن برای پیش‌بینی تغییرات خشونت بین زوجین از تحلیل رگرسیون چند متغیره و خطی استفاده می‌شود و در بخش آخر فرضیات مرتبط با پیامدهای خشونت خانگی بین زوجین بررسی می‌شوند.

ویژگی‌های جمعیت شناختی پاسخگویان

اولین مرحله در اکثر تحلیل‌ها، پیدا کردن تصویری از توزیع متغیرهای جمعیت شناختی است. چرا که متغیرهای زمینه‌ای پهنه اصلی، استقرار متغیرهای مورد بررسی هر مطالعه است. این تصویر نه تنها تصویری سودمند در تحلیل است، بلکه غالباً شناختی که برای تحلیل‌های بعدی لازم است، فراهم می‌آورد. در این بخش داده‌هایی مرتبط با ویژگی‌های جمعیتی پاسخگویان و نحوه توزیع آن‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرد. این اطلاعات شامل جنس، گروه‌های سنی، تحصیلات است. از آنجا که توصیف وضعیت خشونت خانگی هم بین زوجین (متاهلین) و هم بین والدین و فرزندان (مجردها) صورت گرفته است. متغیرهای زمینه‌ای جنس، گروه‌های سنی و تحصیلات به تفکیک وضعیت تاهل در قالب جداول توزیع فراوانی توصیف شده‌اند.

۱. جنس

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنسیت را به تفکیک وضع تاهل را نشان می‌دهد. از ۵۰۲۷ نفر نمونه آماری این پژوهش، ۲۳۴۶ نفر از پاسخگویان مرد و ۲۶۸۱ نفر زن هستند. در مفهومی دیگر ۴۶,۷ درصد افراد انتخاب شده برای نمونه آماری این تحقیق به مردان و ۵۳,۳ درصد به زنان اختصاص داشته است. در این میان همچنین حدود ۷۶ درصد پاسخگویان را متاهلین و ۲۴ درصد را مجردان تشکیل می‌دهند.

جدول ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب جنس

وضعیت تاهل	مجرد	مرد	زن	مجموع
وضعیت تاهل	تعداد	۷۵۱	۴۶۱	۱۲۱۲
	درصد	۱۴,۹%	۹,۲%	۲۴,۱%
متاهل	تعداد	۱۵۹۵	۲۲۲۰	۳۸۱۵
	درصد	۳۱,۷%	۴۴,۲%	۷۵,۹%

۵۰۲۷	۲۶۸۱	۲۳۴۶	تعداد		مجموع
۱۰۰,۰٪	۵۳,۳٪	۴۶,۷٪	درصد		

۲. توزیع سنی پاسخگویان

جدول شماره ۴ نشان دهنده توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب وضعیت سنی آنها می باشد. چنانچه مشاهده می شود بیشترین تعداد پاسخگویان (حدود ۴۵ درصد) در بازه سنی بین ۳۰ تا ۴۹ سال قرار دارند و افراد در بازه سنی ۱۵ تا ۲۹ سال (حدود ۲۹ درصد) در مرتبه بعدی قرار دارند و پس از آن افراد بالای ۵۰ سال (حدود ۲۶ درصد) در رتبه بعدی قرار دارند.

جدول ۴ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب توزیع سنی پاسخگویان

مجموع	بالا از ۵۰	۲۹-۳۰	۲۹-۱۵	تعداد	وضعیت تاهل
	۱۶	۲۱۱	۹۸۵	تعداد	مجرد
	۰,۳٪	۴,۲٪	۱۹,۶٪	درصد	
	۱۲۸۴	۲۰۳۲	۴۸۹	تعداد	متاهل
	۲۵,۶٪	۴۰,۵٪	۹,۷٪	درصد	
	۱۳۰۰	۲۲۴۳	۱۴۷۴	تعداد	مجموع
۱۰۰,۰٪	۲۵,۹٪	۴۴,۷٪	۲۹,۴٪	درصد	

۳. سطح تحصیلات

جدول شماره ۵ سطح تحصیلات جامعه نمونه را نشان می دهد. بر اساس داده های جدول حدود ۱۶ درصد از افراد جامعه نمونه دارای مدرک کارشناسی هستند و حدود ۴ درصد نیز دارای تحصیلات عالی (فوق لیسانس و دکتری) می باشند. همچنین حدود ۲۷ درصد سطح تحصیلات خود را دیپلم، ۸ درصد فوق دیپلم بیان کرده اند. سایر سطوح تحصیلات در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۵ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب سطح تحصیلات

بی سواد	ابتدایی	راهتمایی	متوسطه	دیپلم	فوق دیپلم	لیسانس	فوق لیسانس و دکترا	حوزوی			
تعداد	۴	۲۷	۱۱۲	۲۴۶	۳۴۵	۱۴۴	۲۷۱	۶۴	۲	وضعیت تاهل	مجرد
درصد	۰,۱٪	۰,۵٪	۲,۲٪	۴,۹٪	۶,۹٪	۲,۹٪	۵,۴٪	۱,۳٪	۰,۰٪		
تعداد	۳۷۰	۶۹۹	۵۶۸	۲۱۷	۱۰۲	۲۶۵	۵۱۹	۱۵۱	۵	متاهل	
درصد	۷,۴٪	۱۳,۹٪	۱۱,۳٪	۴,۳٪	۲۰,۳٪	۵,۳٪	۱۰,۳٪	۳,۰٪	۰,۱٪		
تعداد	۳۷۴	۷۲۶	۶۸۰	۴۶۳	۱۳۶	۴۰۹	۷۹۰	۲۱۵	۷	مجموع	
درصد	۷,۴٪	۱۴,۴٪	۱۳,۵٪	۹,۲٪	۲۷,۲٪	۸,۱٪	۱۵,۷٪	۴,۳٪	۰,۱٪		

توصیف وضعیت خشونت خانگی در خانواده ایرانی

مرحله توصیف داده‌ها در تجزیه و تحلیل موضوع پژوهش مهم‌تر از بخش تبیین است. چرا که بدون فهم چستی موضوع نمی‌توان به فهم چرایی آن نائل آمد. پیش از پرداختن به پرسش‌های «چرا»، ابتدا توصیف خوبی از جریان امور لازم است. تلاش برای دستیابی به این توصیف ممکن است فرصتی برای ایفای نقش و سهم مهمی در پیشرفت علمی باشد... برخی از دانشمندان اجتماعی استدلال کرده‌اند که توصیف خوب تنها چیزی است که برای فهم کافی بسیاری از موضوعات لازم است. لذا، توصیف بخش حیاتی پژوهش اجتماعی است (بلیکی، ۲۰۰۲)؛ بنابراین در این بخش ما به دنبال شرح دقیق موضوع پژوهش بر خواهیم آمد تا احتمالاً بتوان به توالی‌های منظم درباره امور رسید و یا شاید برخی مفاهیم را پروراند.

برای نیل به اهداف توصیفی فوق‌الذکر و با توجه به سطح سنجش متغیرها از آماره‌ی گرایش به مرکز میانگین برای نشان دادن مرکز توزیع متغیرها و از آماره‌های پراکندگی (دامنه و انحراف معیار) برای نشان دادن گستره و تغییرپذیری داده‌ها حول مرکز توزیع استفاده کرده‌ایم.

توصیف کلی خشونت در خانواده ایرانی

بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی ۸۱,۱ درصد است. یعنی ۸۱,۱ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی) را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۶، میانگین شدت «خشونت بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۹,۰۶ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۱,۸۲ است.

میزان شیوع خشونت بین والدین و فرزندان ۸۴,۵ درصد است یعنی ۸۴,۵ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت (فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی) را تجربه کرده اند. میانگین شدت «خشونت بین والدین و فرزندان» ۱۳ و انحراف از معیار آن ۱۳,۲۵ می باشد

با مقایسه میانگین خشونت بین زوجین و خشونت بین والدین و فرزندان مشخص می شود که میزان خشونت در بین والدین و فرزندان به میزان تقریباً ۴ درجه بیشتر است.

در خصوص وضعیت خشونت در خانواده ایرانی چه به صورت کلی و چه در ابعاد مختلف باید توجه داشت که خشونت به عنوان یک آسیب اجتماعی شناخته می شود و میزان شدت و زیاد و کم بودن آن را باید در قالب یک آسیب فهم کرد و مورد بررسی قرار داد (به عنوان مثال شبیه به میزان خودکشی در جامعه).

جدول ۶ وضعیت خشونت در خانواده ایرانی

عنوان	بین زوجین	بین والدین و فرزندان
تعداد پاسخگویان	۳۶۲۹	۱۱۷۵
میانگین	۹,۰۶	۱۳
درصد	۳۶,۳	۴۱,۷
انحراف استاندارد	۱۱,۸۲	۱۳,۲۵
کمترین	۰	۰
بیشترین	۹۷,۷۸	۷۹,۱۷
دامنه	۹۷,۷۸	۷۹,۱۷

توصیف خشونت فیزیکی در خانواده

بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایرانی ۳۶,۳ درصد است. یعنی ۳۶,۳ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت فیزیکی را تجربه کرده اند. بر اساس یافته های جدول زیر، میانگین شدت «خشونت فیزیکی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۵,۳۰ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۱,۱۱ است.

میزان شیوع خشونت فیزیکی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی ۴۱,۷ درصد است. یعنی ۴۱,۷ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت فیزیکی را تجربه کرده اند. همچنین میانگین شدت «خشونت فیزیکی بین والدین و فرزندان» ۶,۱۸ و انحراف از معیار آن ۱۱,۶۰ می باشد. سایر تعاملات خشونت آمیز فیزیکی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

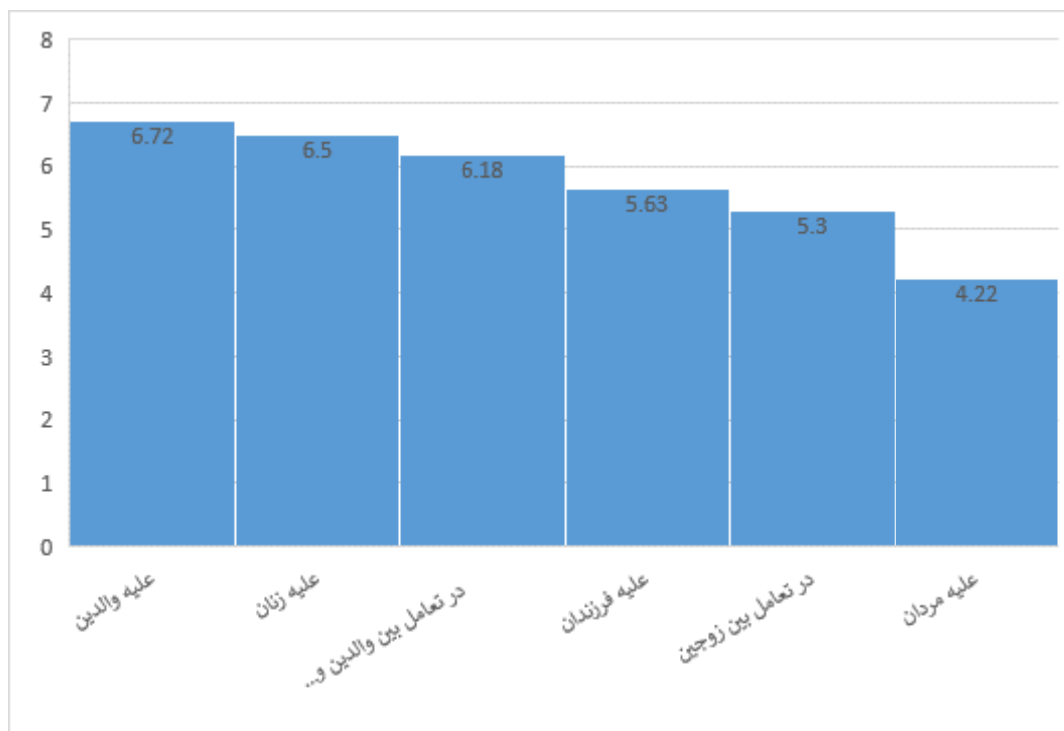
جدول ۲ شدت خشونت فیزیکی در خانواده در مقیاس ۱۰۰

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان ^۲	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان ^۱
تعداد پاسخگویان	۳۷۴۰	۳۷۶۷	۳۷۸۲	۱۱۹۷	۱۲۹۰	۱۱۹۹
میانگین	۵,۳۰	۶,۵۰	۴,۲۲	۶,۱۸	۶,۷۲	۵,۶۳
انحراف استاندارد	۱۱,۱۱			۱۱,۶۰	۱۳,۵۱	۱۲,۵۵
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۹۰	۱۰۰	۱۰۰

نمودار ۱ شمایی کلی از شدت خشونت فیزیکی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد بر این اساس خشونت فیزیکی علیه والدین با میانگین ۶,۷۲ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشترین میزان خشونت فیزیکی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن خشونت علیه زنان با میانگین ۶,۵ و خشونت در تعامل بین والدین و فرزندان با میانگین ۶,۱۸ قرار دارند.

۱. این شاخص، و به طور کلی انواع خشونت بین والدین و فرزندان صرفاً بر اساس نظر فرزندان ساخته شده است.

۲. در پرسشنامه پیمایش ملی خانواده در بحث خشونت خانگی هم از فرد پاسخگو پرسیده شده که چقدر انواع خشونت خانگی در رفتار شما نسبت به همسران وجود دارد و هم پرسیده شده که چقدر انواع خشونت خانگی در رفتار همسران نسبت به شما وجود دارد. در این پژوهش شاخص خشونت علیه زنان از میانگین بین میزان خشونت که زنان پاسخگو ابراز کرده‌اند در رفتار همسرانشان وجود دارد و میزان خشونت که مردان پاسخگو ابراز کرده‌اند که در رفتار آنها نسبت به همسرانشان وجود دارد بدست آمده است. خشونت علیه مردان نیز به طریق مشابه محاسبه شده است.



نمودار ۱ وضعیت میانگین شدت خشونت فیزیکی در خانواده

خشونت روانی در خانواده

بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایرانی ۷۵,۵ درصد است. یعنی ۷۵,۵ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت روانی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول زیر میانگین شدت «خشونت روانی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۱۴,۴۲ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۵,۷۷ است.

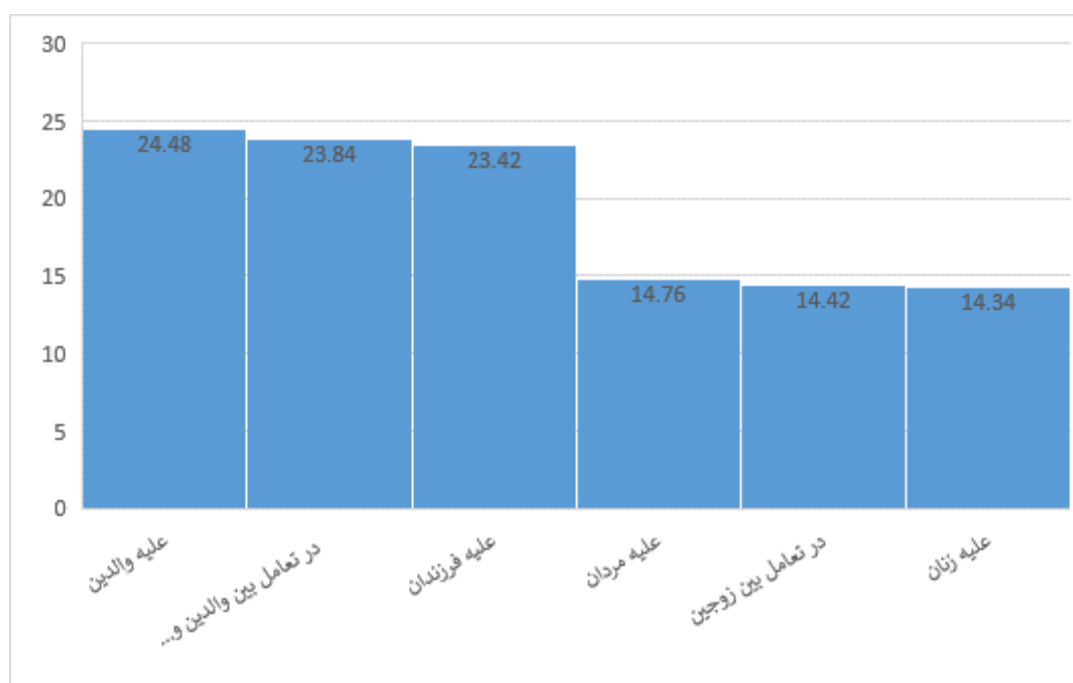
میزان شیوع خشونت روانی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی ۸۱,۶ درصد است. یعنی ۸۱,۶ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت روانی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت روانی بین والدین و فرزندان» ۲۳,۸۴ و انحراف از معیار آن ۲۰,۲۴ می‌باشد. سایر تعاملات خشونت آمیز روانی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۸ شاخص شدت خشونت روانی در خانواده در مقیاس ۱۰۰

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد پاسخگویان	۳۷۲۸	۳۷۵۸	۳۷۷۸	۱۱۹۷	۱۲۰۹	۱۲۰۰
میانگین	۱۴,۴۲	۱۴,۳۴	۱۴,۷۶	۲۳,۸۴	۲۴,۴۸	۲۳,۴۲
انحراف استاندارد	۱۵,۷۷			۲۰,۲۴	۲۲,۷۸	۲۳,۹۸

۰	۰	۰			۰	کمترین
۱۰۰	۱۰۰	۹۳,۳۳			۱۰۰	بیشترین
۰	۱۰۰	۹۳,۳۳			۱۰۰	دامنه

نمودار ۲ شمایی کلی از شدت خشونت روانی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد براین اساس خشونت روانی علیه والدین با میانگین ۲۴,۴۸ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشترین میزان خشونت روانی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن خشونت روانی در تعامل بین والدین و فرزندان با میانگین ۲۳,۸۴ و خشونت روانی علیه فرزندان با میانگین ۲۳,۴۲ قرار دارند.



نمودار ۲/ وضعیت میانگین شدت خشونت روانی در خانواده

خشونت کلامی در خانواده

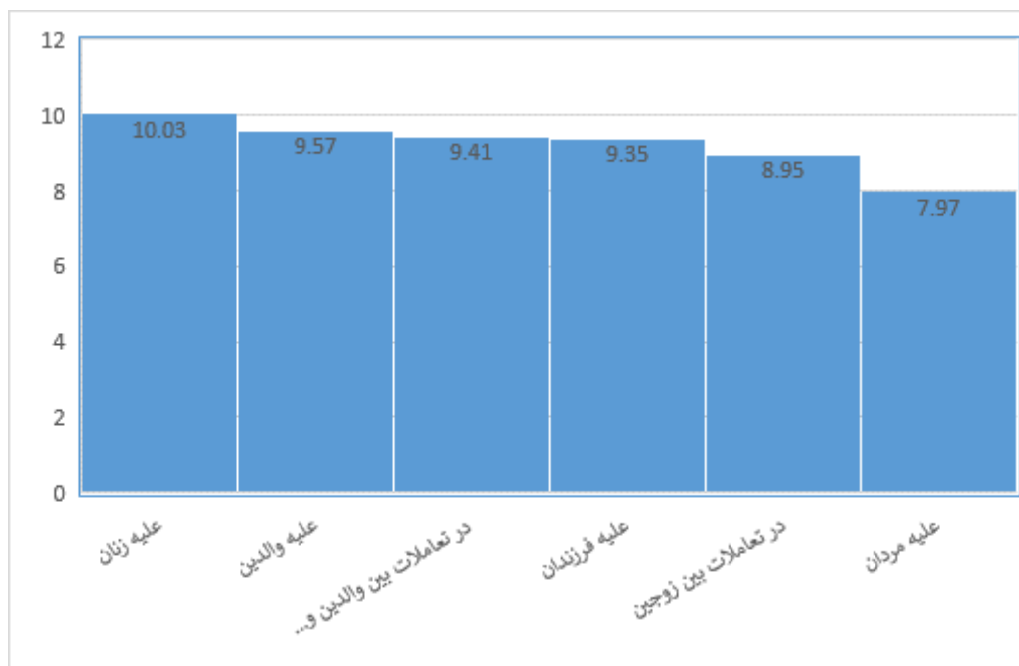
بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایرانی ۴۰ درصد است. یعنی ۴۰ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت کلامی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۹ میانگین شدت «خشونت کلامی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۸,۹۵ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۶,۲۳ است.

میزان شیوع خشونت کلامی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی ۴۴٫۸ درصد است. یعنی ۴۴٫۸ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت کلامی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت کلامی بین والدین و فرزندان» ۹٫۴۱ و انحراف از معیار آن ۱۵٫۹۴ می‌باشد. سایر تعاملات خشونت آمیز کلامی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۹ شاخص شدت خشونت کلامی در خانواده در مقیاس ۱۰۰

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد پاسخگویان	۳۷۳۹	۳۷۷۲	۳۷۸۳	۱۱۹۷	۱۲۰۸	۱۲۰۰
میانگین	۸٫۹۵	۱۰٫۰۳	۷٫۹۷	۹٫۴۱	۹٫۵۷	۹٫۳۵
انحراف استاندارد	۱۶٫۲۳			۱۵٫۹۴	۱۷٫۴۰	۱۷٫۷۷
کمترین	۰			۰	۰	۰
بیشترین	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
دامنه	۱۰۰			۱۰۰	۱۰۰	۰۰

نمودار ۳ شمایی کلی از شدت خشونت کلامی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد براین اساس خشونت کلامی علیه زنان با میانگین ۱۰٫۰۳ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشترین میزان خشونت کلامی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن خشونت کلامی علیه والدین با میانگین ۹٫۵۷ و خشونت کلامی در تعاملات بین والدین و فرزندان با میانگین ۹٫۴۱ قرار دارند.



نمودار ۳ وضعیت میانگین شدت خشونت کلامی در خانواده

خشونت اقتصادی در خانواده

بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایرانی ۴۶,۷ درصد است. یعنی ۴۶,۷ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۱۰ میانگین شدت «خشونت اقتصادی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۱۱,۴۱ است. انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۶,۸۰ است.

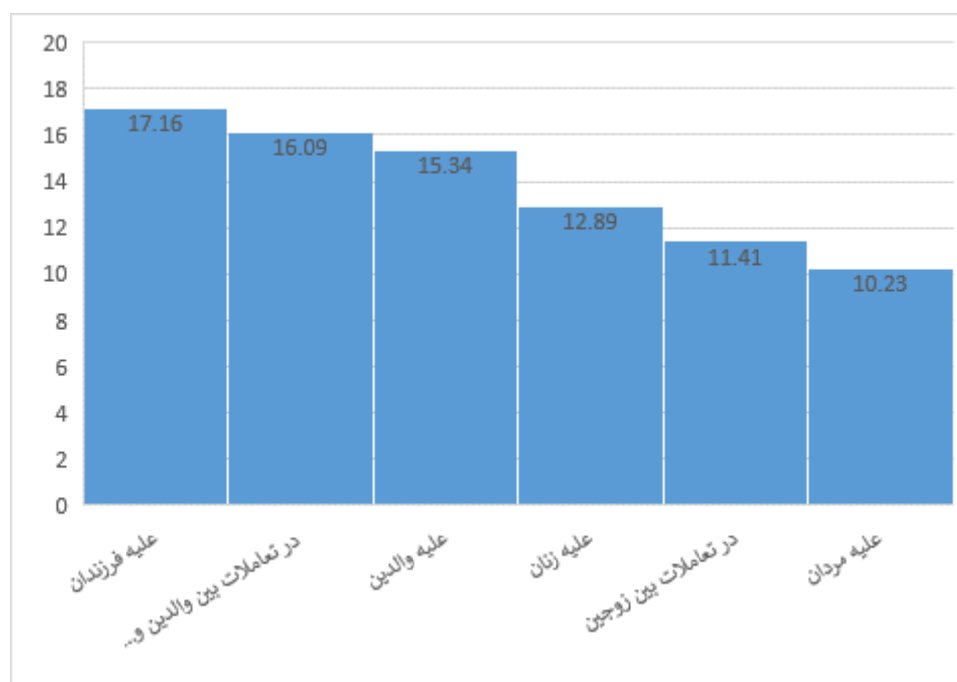
میزان شیوع خشونت اقتصادی بین والدین و فرزندان در جامعه ایرانی ۵۸,۸ درصد است. یعنی ۵۸,۸ درصد از والدین و فرزندان در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را تجربه کرده‌اند. همچنین میانگین شدت «خشونت اقتصادی بین والدین و فرزندان» ۱۶,۰۹ و انحراف از معیار آن ۲۱,۵۳ می‌باشد. سایر تعاملات خشونت آمیز اقتصادی در فضای خانواده در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول ۱۰ شاخص شدت خشونت اقتصادی در خانواده در مقیاس ۱۰۰

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان	در تعاملات بین والدین و فرزندان	علیه والدین	علیه فرزندان
تعداد پاسخگویان	۳۶۸۹	۳۷۷۲	۳۷۲۶	۱۱۸۱	۱۱۹۳	۱۱۹۹

۱۷,۱۶	۱۵,۳۴	۱۶,۰۹	۱۰,۲۳	۱۲,۸۹	۱۱,۴۱	میانگین
۲۳,۰۹	۲۱,۵۳	۱۹,۰۶			۱۶,۸۰	انحراف استاندارد
۰	۰	۰			۰	کمترین
۱۰۰	۱۰۰	۹۰			۱۰۰	بیشترین
۰۰	۱۰۰	۹۰			۱۰۰	دامنه

نمودار ۴ شمایی کلی از شدت خشونت اقتصادی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد براین اساس خشونت اقتصادی علیه فرزندان با میانگین ۱۷,۱۶ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشترین میزان خشونت اقتصادی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن خشونت اقتصادی در تعاملات بین والدین و فرزندان با میانگین ۱۶,۰۹ و خشونت اقتصادی علیه والدین با میانگین ۱۵,۳۴ قرار دارند.



نمودار ۴ وضعیت میانگین شدت خشونت اقتصادی در خانواده

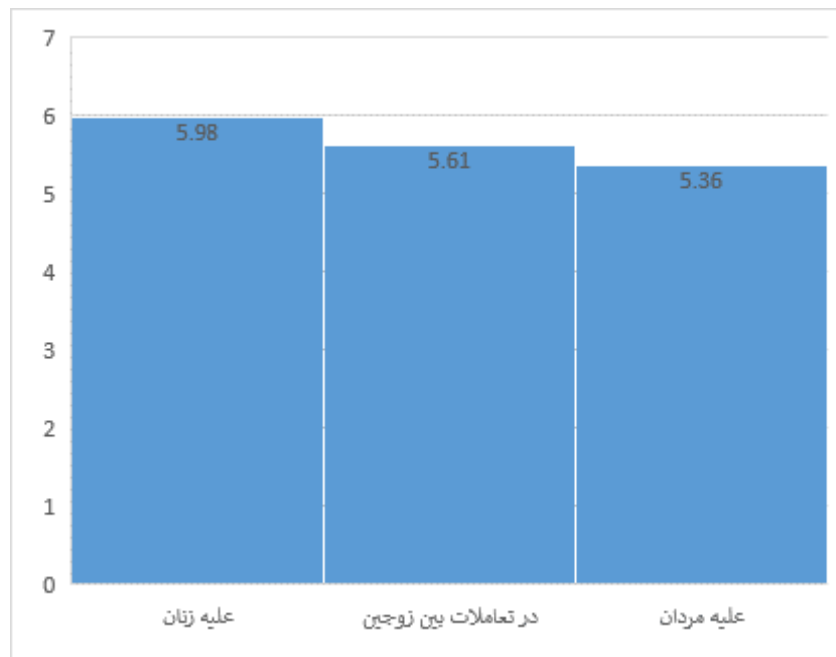
خشونت جنسی بین زوجین

بر اساس نتایج این پژوهش میزان شیوع خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایرانی ۳۴,۵ درصد است. یعنی ۳۴,۵ درصد از زوجین در جامعه ایران حداقل یکی از انواع خشونت جنسی را تجربه کرده‌اند. بر اساس یافته‌های جدول ۱۱ میانگین شدت «خشونت جنسی بین زوجین» جامعه ایرانی در مقیاس ۰ تا ۱۰۰، ۵,۶۱ و انحراف معیار محاسبه شده برای این شاخص ۱۱,۷۸ است. همچنین میانگین خشونت جنسی علیه زنان ۵,۹۸ و خشونت جنسی علیه مردان ۵,۳۶ می‌باشد.

جدول ۱۱ شاخص خشونت جنسی بین زوجین در مقیاس ۱۰۰

عنوان	در تعاملات بین زوجین	علیه زنان	علیه مردان
تعداد پاسخگویان	۳۶۸۷	۳۷۵۷	۳۷۳۵
میانگین	۵,۶۱	۵,۹۸	۵,۳۶
انحراف استاندارد	۱۱,۷۸		
کمترین	۰		
بیشترین	۱۰۰		
دامنه	۱۰۰		

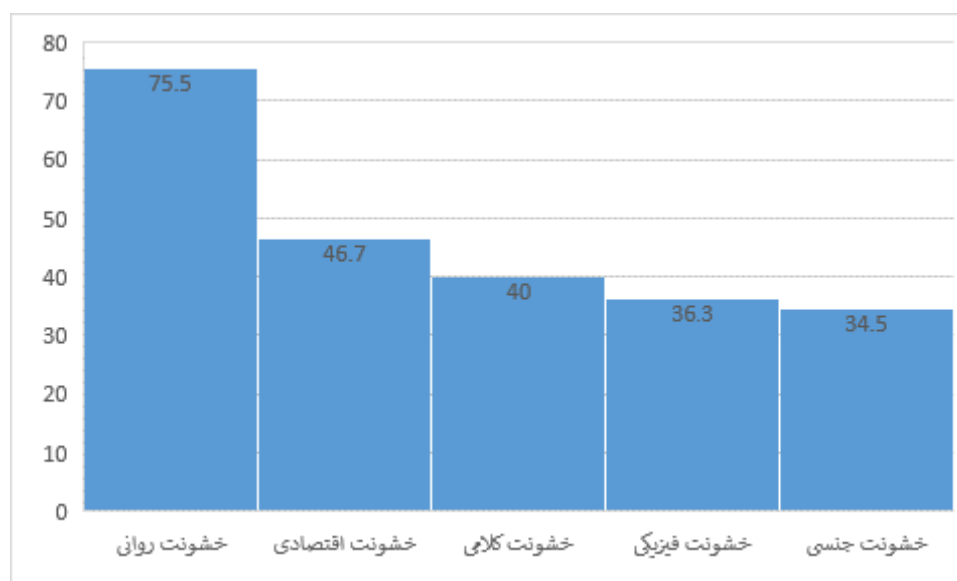
نمودار ۵ شمایی کلی از شدت خشونت جنسی در خانواده ایرانی را نشان می‌دهد براین اساس خشونت جنسی علیه زنان با میانگین ۵,۹۸ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ بیشترین میزان خشونت جنسی در فضای خانواده را در برمی‌گیرد و پس از آن خشونت جنسی در تعاملات بین زوجین با میانگین ۵,۶۱ و خشونت جنسی علیه مردان با میانگین ۵,۳۶ قرار دارند.



نمودار ۵ وضعیت میانگین شدت خشونت جنسی بین زوجین

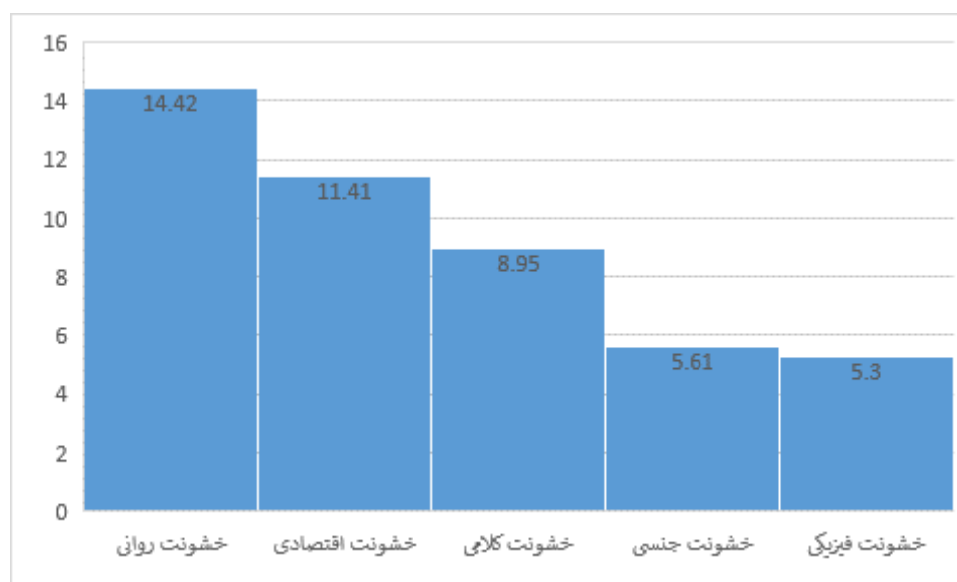
وضعیت خشونت خانگی در تعاملات بین زوجین

نمودار ۶ وضعیت درصد شیوع انواع خشونت خانگی در تعاملات بین زوجین را نشان می‌دهد بر این اساس خشونت روانی بین زوجین با ۷۵,۵ درصد دارای بیشترین میزان شیوع در بین انواع خشونت خانگی است. و پس از آن خشونت اقتصادی با درصد شیوع ۴۶,۷ و خشونت کلامی با درصد شیوع ۴۰ قرار دارد.



نمودار ۶ مقایسه درصد شیوع انواع خشونت بین زوجین

نمودار ۷ وضعیت شدت انواع خشونت خانگی در تعاملات بین زوجین را نشان می‌دهد بر این اساس خشونت روانی بین زوجین با میانگین ۱۴,۴۲ دارای بیشترین شدت در بین زوجین می‌باشد و پس از آن خشونت اقتصادی با میانگین ۱۱,۴۱ و خشونت کلامی با میانگین ۸,۹۵ قرار دارد.



نمودار ۷ مقایسه میانگین‌های شدت انواع خشونت در تعاملات بین زوجین

با توجه به اینکه پیشینه نظری و تجربی این پژوهش بر مبنای خشونت بین زوجین تدوین شده است و همچنین جامعه آماری این پژوهش بیشتر شامل متأهلین است (حدود ۷۵ درصد نمونه). در ادامه به بررسی عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین پرداخته می‌شود

تبیین عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین

در این پژوهش برای تحلیل رابطه بین متغیرهای مستقل و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. برای پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته نیز از تحلیل رگرسیون چند متغیره و خطی استفاده شده است.

آزمون فرضیات پژوهش

روش آماری مورد استفاده برای آزمون رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای، آزمون همبستگی r پیرسون است که مطابق با نتیجه حاصله، رابطه بین شاخص **خشونت خانگی بین زوجین** و متغیرهای **مشاهده خشونت بین والدین**، **شیوه اعمال قدرت** (تفاهم آمیز به سمت مجادله)، **میزان تعارض** (از کم به زیاد)، **رضایت جنسی**، **نگرش به اعتماد خانوادگی**، **فشار شغلی**، **طول مدت ازدواج** و **سن** در سطح $(\alpha = 0/01)$ معنادار است. به این مفهوم که، در پژوهش حاضر رابطه خشونت خانگی بین زوجین و متغیرهای ذکر شده در فضای خانواده مورد قبول واقع شده، لذا شواهد کافی برای تأیید رابطه بین این فرضیه وجود دارد. اما شواهد کافی برای تأیید رابطه بین **خشونت خانگی بین زوجین** با **نگرش جنسیتی**، **میزان هزینه در خانواده** و **تحصیلات زوجین**^۱ یافت نشد. جدول زیر شدت و جهت رابطه خشونت خانگی بین زوجین با هر یک از متغیرهای ذکر شده را نشان می‌دهد.

۱. متغیر تحصیلات زوجین از جمع سطح تحصیلات فرد پاسخگو و همسرش بدست آمده است.

جدول ۱۲ رابطه بین خشونت بین زوجین و عوامل مرتبط

Sig.	ضریب همبستگی پیرسن	فراوانی	ضریب همبستگی	خشونت بین زوجین
۰,۰۰	.۳۵۶**	۳۷۸۳	مشاهده خشونت بین والدین	
۰,۰۰	.۳۴۳**	۳۳۴۷	شیوه اعمال قدرت (تفاهم آمیز به سمت مجادله)	
۰,۰۰	.۴۲۴**	۳۲۶۹	میزان تعارض (از کم به زیاد)	
۰,۰۰	-.۲۳۱**	۳۲۳۲	رضایت جنسی	
۰,۰۰	-.۰۴۵**	۳۳۲۰	نگرش به اعتماد خانوادگی	
۰,۰۰	.۱۲۷**	۱۲۳۱	فشار شغلی	
۰,۰۰۱	-.۰۵۶**	۳۶۰۶	طول مدت ازدواج	
.۰۰۰	-.۱۱۳**	۳۶۱۶	سن	
۰,۶۳۵	.۰۰۸	۳۲۵۹	نگرش جنسیتی (به سمت سنتی)	
۰,۰۷۰	۰,۰۳۱	۳۴۷۲	هزینه کل خانواده	
۰,۰۸۶	-.۰۲۹	۳۶۰۶	تحصیلات زوجین	

بر این اساس هر چه قدر فرد بیشتر در خانواده پدری شاهد خشونت بین والدین خود بوده باشد میزان خشونت بین او و همسرش نیز افزایش می‌یابد. همچنین هرچقدر میزان تعارض بین زوجین بیشتر باشد و شیوه های اعمال قدرت در خانواده مجالہ آمیزتر باشد میزان خشونت بین زوجین افزایش می‌یابد. همچنین افزایش فشار شغلی احتمال خشونت بین زوجین را بیشتر می‌کند. و کاهش نگرش مثبت به اعتماد خانوادگی (هرچند به میزان کم) و کاهش رضایت جنسی خشونت خانگی بین زوجین را افزایش می‌دهد. افزایش سن و افزایش طول مدت ازدواج هم در کاهش خشونت بین زوجین موثر است.

تحلیل مدل رگرسیونی چندمتغیره

در این بخش از تحقیق، به تحلیل رگرسیونی چندگانه از داده‌ها و روابط بین متغیرهای تحقیق پرداخته شده است. هدف از آنالیزهای رگرسیونی، مشخص کردن سهم و تأثیر متغیرهای مستقل تحقیق در تبیین و پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته است، به عبارتی رگرسیون چند متغیره به تبیین و پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته (میزان خشونت بین زوجین) بر اساس چند متغیر به ما کمک می‌کند که این امر با استفاده از برآورد میزان و نقش متغیرهای مستقل در ایجاد واریانس‌های متغیر تابع صورت می‌پذیرد. از این رو این امکان فراهم می‌شود تا از رگرسیون چند متغیره برای به دست آوردن میزان‌های درجه روابط میان یک متغیر Y با هر تعداد از متغیرهای مستقل استفاده به عمل آید.

در این تحقیق، تحلیل رگرسیونی چند متغیره بر اساس معیار حداقل مربعات^۱ (OLS) و با استفاده از روش *enter* صورت گرفته است. در این روش متغیرهای مختلف به صورت هم‌زمان در تبیین متغیر وابسته وارد معادله می‌شوند.

جدول ۱۳ آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره خشونت بین زوجین

۰,۶۱۲	ضریب همبستگی چندگانه (MULTIPLE R)
۰,۳۷۵	ضریب تبیین (R Square)
۰,۳۶۷	ضریب تبیین تصحیح شده (Adjusted R.Square)
۸,۲۲	اشتباه معیار (Standard Error)

همان‌طور که جدول فوق نشان می‌دهد، میزان ضریب تعیین تصحیح شده ۰,۳۷ است این به این معناست که متغیرهای مستقل این پژوهش حدود ۳۷ درصد از تغییرات خشونت بین زوجین را تبیین می‌کنند.

۱. Ordinary Least Squares

جدول ۱۴ جدول تحلیل واریانس رگرسیون چند متغیره خشونت بین زوجین

منبع تغییرات	مجموع مجدورات	درجه آزادی	میانگین مجدورات	کمیت F	سطح معناداری
اثر رگرسیونی	۳۸۹۰۰٫۶۳	۱۱	۳۵۳۶٫۴۲	۵۲٫۳۱	۰٫۰۰
باقیمانده	۶۴۹۵۶٫۵۰	۹۶۱	۶۷٫۶۰		

کمیت F معنادار است این مطلب گویای این است که حداقل یکی از متغیرهای مستقل در پیش‌بینی متغیر وابسته مؤثر است. پس باید تک‌تک متغیرها را با استفاده از T آزمود. معنی دار بودن F به این معنی است که به‌طور حتم بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی مستقیمی وجود دارد. طبیعی است که احتمال اینکه کمیت F به‌طور تصادفی به دست آید فوق‌العاده کم است یعنی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته نمی‌تواند تصادفی پیش‌آمده باشد.

جدول ۱۵ میزان تاثیر عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین در مدل رگرسیونی

مدل	Unstandardized Coefficients			t	Sig.
	B	Std. Error	Beta		
(مقدار ثابت)	-۳٫۸۲۷	۳٫۴۴۶		-۱٫۱۱۱	۰٫۲۶۷
مشاهده خشونت بین والدین	۰٫۴۶۲	۰٫۰۵۵	۰٫۲۲۳	۸٫۳۶۹	۰٫۰۰۰
شیوه اعمال قدرت (تفاهم آمیز به سمت مجادله)	۱٫۰۱۹	۰٫۱۰۶	۰٫۲۶۳	۹٫۶۰۲	۰٫۰۰۰
میزان تعارض (از کم به زیاد)	۰٫۳۳۰	۰٫۰۲۹	۰٫۳۰۹	۱۱٫۳۹۴	۰٫۰۰۰
رضایت جنسی	-۰٫۷۲۷	۰٫۱۴۱	-۰٫۱۴۲	-۵٫۱۶۹	۰٫۰۰۰
فشار شغلی	۰٫۱۹۰	۰٫۰۸۸	۰٫۰۵۸	۲٫۱۷۰	۰٫۰۳۰
نگرش به اعتماد خانوادگی	۰٫۰۲۱	۰٫۱۲۴	۰٫۰۰۴	۰٫۱۶۷	۰٫۸۶۸
سن	-۰٫۰۰۹	۰٫۰۵۳	-۰٫۰۱۰	-۰٫۱۷۶	۰٫۸۶۰
طول مدت ازدواج	-۰٫۰۳۱	۰٫۰۵۰	-۰٫۰۳۶	-۰٫۶۱۹	۰٫۵۳۶
هزینه کل خانواده	۲٫۷۲	۰٫۰۰۰	۰٫۰۶۲	۲٫۲۵۵	۰٫۰۲۴
نگرش جنسیتی (به سمت سنتی)	-۰٫۰۲۶	۰٫۰۴۴	-۰٫۰۱۶	-۰٫۵۹۲	۰٫۵۵۴
تحصیلات زوجین	-۰٫۱۸۲	۰٫۰۹۲	-۰٫۰۶۶	-۱٫۹۹۱	۰٫۰۴۷
متغیر وابسته: خشونت بین زوجین					

شرح جدول فوق:

B: به آن ضریب تأثیر متغیر مستقل بر متغیر وابسته یا وزن رگرسیونی می‌گویند و نشان‌دهنده میزان تأثیر هر متغیر مستقل در واریانس متغیر وابسته است. ضریب شیب نیز بدان اطلاق می‌شود.

Std.Error: اشتباه استاندارد ضریب B (وزن رگرسیون)

Beta: ضریب تأثیر متغیر مستقل استاندارد شده بر متغیر وابسته است. ضریب Beta به ما امکان مقایسه تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیرهای وابسته را می‌دهد.

با توجه به نتایج حاصله، ضریب تعیین تصحیح شده که نشانگر میزان واقعی تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای باقی مانده در مدل نهایی می‌باشد حدود ۳۷ درصد به دست آمده است بقیه تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای دیگر است. با توجه به آماره‌های به دست آمده در جدول ۱۵ می‌توان چنین عنوان کرد که حدود ۳۷ درصد از واریانس خشونت بین زوجین توسط ۷ متغیر (مشاهده خشونت بین والدین، شیوه اعمال قدرت (تفاهم آمیز به سمت مجادله)، میزان تعارض (از کم به زیاد)، رضایت جنسی، فشار شغلی، هزینه کل خانواده و تحصیلات زوجین) تبیین می‌شود. بر اساس مقادیر Beta (زیرا این مقادیر استاندارد شده و امکان مقایسه و تعیین سهم نسبی هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد) معادله رگرسیون چند متغیره در تحقیق حاضر به این صورت می‌باشد:

$$\text{خشونت بین زوجین} = ۰,۲۲ + (\text{مشاهده خشونت بین زوجین}) + ۰,۲۶ + (\text{اعمال قدرت مجادله آمیز}) + ۰,۳۱ + (\text{میزان تعارض}) + ۰,۱۴ - (\text{رضایت جنسی}) + ۰,۰۶ + (\text{فشار شغلی}) + ۰,۰۶ + (\text{هزینه کل خانواده}) - ۰,۰۷ - (\text{تحصیلات زوجین}) + e_i$$

پیامدهای خشونت بین زوجین

همانطور که در چارچوب نظری این پژوهش بیان شد خشونت خانگی بین زوجین به عنوان یک آسیب اجتماعی، دارای پیامدهایی برای زندگی فردی و اجتماعی است. جدول زیر وجود و شدت رابطه بین خشونت خانگی و برخی از پیامدهای آن را نشان می‌دهد.

جدول ۱۶ رابطه بین خشونت بین زوجین و پیامدهای مرتبط

Sig.	ضریب همبستگی	فراوانی	ضریب همبستگی	خشونت بین زوجین
۰,۰۰	-.۲۴۵**	۲۸۵۵	رضایت از زندگی	
۰,۰۰	.۳۰۵**	۲۶۴۳	احتمال جدایی	
۰,۰۰	.۱۳۴**	۳۶۲۳	روابط جنسی خارج از خانواده	
۰,۰۰	.۲۲۲**	۳۸۱۹	فکر خودکشی	
۰,۰۰	.۱۶۴**	۳۶۲۹	اقدام به خودکشی	
۰,۱۶۷	.۰۲۳	۳۶۲۹	مصرف سیگار	

روش آماری مورد استفاده برای آزمون رابطه بین دو متغیر فاصله‌ای، آزمون همبستگی r پیرسون و اسپیرمن است که مطابق با نتیجه حاصله، رابطه بین خشونت خانگی بین زوجین و پیامدهای کاهش رضایت از زندگی، افزایش احتمال جدایی، افزایش احتمال روابط جنسی خارج از خانه، فکر خودکشی و اقدام به خودکشی در سطح ($\alpha = 0/01$) معنادار است. به این مفهوم که، در پژوهش حاضر رابطه بین خشونت خانگی بین زوجین و پیامدهای مذکور مورد قبول واقع شده، لذا مدارک کافی برای تأیید فرضیه اصلی وجود دارد. از این نظر هر چه خشونت خانگی بین زوجین افزایش یابد. اما شواهد کافی برای تأیید رابطه میان افزایش خشونت خانگی بین زوجین و افزایش مصرف سیگار مشاهده نشد.

فصل ۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این فصل به جمع‌بندی، بحث و نتیجه‌گیری با توجه فصول گذشته این پژوهش پرداخته خواهد شد و نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین مورد مقایسه قرار خواهد گرفت. همچنین درباره میزان انطباق نتایج با نظریه‌های مورد استفاده، بحث می‌گردد و در پایان پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده ارائه خواهد شد.

جمع‌بندی، بحث و نتیجه‌گیری

در فصل اول این پژوهش با استناد به آمارها و نتایج نظرسنجی‌ها، همچنین با استناد به نظر نخبگان نشان داده شد که خشونت خانگی در ایران یک مسأله اجتماعی است. سپس در فصل دوم با بررسی پژوهش‌های پیشین حول موضوع تحقیق، مشخص شد که در اکثر آن‌ها اولاً توصیف قابل تعمیمی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایرانی وجود ندارد و پژوهش‌های موجود یا به سراغ افراد آسیب دیده از خشونت رفته‌اند و یا منحصر به یک جامعه محدود (شهر، منطقه، دانشگاه و...) بوده‌اند و بنابراین قابلیت تعمیم به کل جامعه ایران، در هیچ یک از بخش‌های توصیف، تبیین و پیامدها، را نداشته‌اند. ثانیاً، اکثر پژوهش‌های صورت گرفته به خشونت علیه زنان اشاره دارد و در بررسی پیشینه پژوهش، پژوهشی که به خشونت خانگی بین زوجین به شکل یک تعامل سرد، پرداخته باشد، همچنین میزان خشونت بین والدین و فرزندان را بسنجد، مشاهده نشد. در فصل سوم پس از تشریح روش انجام کار و تعریف عملیاتی شاخص‌های بدست آمده از چارچوب نظری پژوهش، به آماده‌سازی داده‌های موجود و در دسترس برای تحلیل پرداخته شد. سپس در فصل چهارم ابتدا توصیفی از وضعیت خشونت خانگی در جامعه ایران در تعاملات بین زوجین، در تعاملات بین والدین و فرزندان، علیه زنان، علیه مردان، علیه والدین و علیه فرزندان به شکل کلی و همچنین در ابعاد مختلف فیزیکی، روانی، اقتصادی، کلامی و جنسی صورت گرفت. سپس با توجه به اهداف و سوالات پژوهش به تبیین عوامل و پیامدهای مرتبط با خشونت بین زوجین پرداخته شد. بر این اساس:

- میزان کلی شیوع خشونت بین زوجین در جامعه ایران ۸۱ درصد است این بدان معناست که ۸۱ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از ابعاد خشونت خانگی (فیزیکی، روانی، کلامی، اقتصادی، جنسی) را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی، ۹,۰۶ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- میزان شیوع خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایران ۳۶ درصد است. این بدان معناست که ۳۶ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از انواع خشونت فیزیکی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت فیزیکی بین زوجین در جامعه ایرانی، ۵,۳ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.

- میزان شیوع خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایران ۷۵٫۵ درصد است. این بدان معناست که ۷۵٫۵ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از انواع خشونت روانی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت روانی بین زوجین در جامعه ایرانی ۱۴٫۴ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
 - میزان شیوع خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایران ۴۰ درصد است. این بدان معناست که ۴۰ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از انواع خشونت روانی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت کلامی بین زوجین در جامعه ایرانی ۸٫۹۵ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
 - میزان شیوع خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایران ۴۶٫۷ درصد است. این بدان معناست که ۴۶٫۷ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از انواع خشونت اقتصادی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت اقتصادی بین زوجین در جامعه ایرانی ۱۱٫۴۱ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
 - میزان شیوع خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایران ۳۴٫۵ درصد است. این بدان معناست که ۳۴٫۵ درصد از زوجین در جامعه ایران تجربه حداقل یکی از انواع خشونت جنسی را داشته‌اند. میانگین شدت خشونت جنسی بین زوجین در جامعه ایرانی ۵٫۶۱ در مقیاس ۰ تا ۱۰۰ است.
- در ارتباط با توصیف وضعیت خشونت بین زوجین در جامعه ایرانی ذکر دو نکته ضروری به نظر می‌رسد:
۱. بر مبنای پژوهش قاضی طباطبایی (۱۳۸۳)، شیوع کلی خشونت خانگی علیه زنان ۶۶ درصد بوده است و در این پژوهش نیز این میزان به ۶۶ درصد بدست آمده است^۱. بر همین اساس شیوع خشونت فیزیکی علیه زنان از ۳۸ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۲۸ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با کاهش ۱۰ درصدی و رشد^۲ منفی ۲۶ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹) ۳۹ درصد بوده است
 - شیوع خشونت روانی و کلامی^۳ علیه زنان از ۵۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با افزایش ۷ درصدی و رشد ۱۵ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹) ۴۴ درصد بوده است.
 - شیوع خشونت اقتصادی علیه زنان از ۱۵ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۴ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده و با افزایش ۱۹ درصدی و رشد ۱۲۶ درصدی همراه بوده است.

۱. لازم به توضیح است، از آنجا که هدف این پژوهش سنجش خشونت در فضای خانواده و بخصوص در تعاملات بین زوجین بوده است، درصدهای خشونت علیه زنان بر مبنای نظر خود زنان، صرفاً به منظور مقایسه با کار قاضی طباطبایی (۱۳۸۳) فقط در قسمت نتایج آورده شده است. همچنین باید توجه داشت که نحوه سنجش خشونت خانگی علیه زنان در این دو پژوهش عیناً شبیه به هم نیست و تفاوت‌هایی دارد.

۲. $[100 \times \text{میزان خشونت اولیه} / (\text{میزان خشونت ثانویه} - \text{میزان خشونت اولیه})] = \text{نرخ رشد خشونت علیه زنان}$

۳. خشونت روانی و خشونت کلامی در کار قاضی طباطبایی با هم سنجیده شده است بر همین مبنای در این بخش نیز برای فراهم شدن امکان مقایسه این دو نوع خشونت با هم ادغام شده و درصد شیوع خشونت محاسبه شده است

شیوع خشونت جنسی علیه زنان از ۱۰ درصد در سال ۱۳۸۲ به ۲۶ درصد در سال ۱۳۹۷ رسیده است و با افزایش ۱۶ درصدی و رشد ۱۶۰ درصدی همراه بوده است. این میزان شیوع برای زنان در کشور ترکیه بر اساس پژوهش دانشگاه هاجتپه (۲۰۰۹) ۱۵ درصد بوده است.

بر این اساس می‌توان گفت که اگرچه شیوع کلی خشونت خانگی علیه زنان تغییری نکرده است اما رشد آن در اکثر ابعاد نشان می‌دهد که افراد درگیر در خشونت انواع بیشتری از خشونت را تجربه می‌کنند. مثلاً فرد درگیر در خشونت روانی، با احتمال بیشتری خشونت اقتصادی و خشونت جنسی را نیز تجربه می‌کند. و اگر چه نسبت به شدت خشونت در پژوهش قاضی طباطبایی (۱۳۸۳) اطلاعاتی در دست نیست اما از آنجا که در کار قاضی طباطبایی از ابعاد و گویه‌های بیشتری برای سنجش خشونت خانگی علیه زنان استفاده شده و این خشونت به شکل جزئی‌تری خشونت سنجیده شده، این موضوع احتمالاً بیانگر افزایش شدت خشونت خانگی علیه زنان نسبت به سال ۱۳۸۳ است.

۲. به نظر می‌رسد اختلاف فاحشی میان میزان شیوع و شدت خشونت بین زوجین و میزان ثبت شده از خشونت در کشور وجود دارد. به عنوان نمونه، ۱ درصد از پاسخگویان در این پژوهش اذعان داشته‌اند که «کتک زدن» به عنوان یکی از انواع خشونت فیزیکی، در رفتار همسرشان به میزان «خیلی زیاد» وجود دارد. این میزان در مقیاس ۱۰۰ هزار نفر به عدد ۱۰۰۰ نفر می‌رسد این در حالی است که بنابر گزارش پزشکی قانونی در سالنامه آماری کشور، میانگین تعداد مدعیان همسرآزاری در سال ۱۳۹۷ (یعنی سال انجام این پژوهش) در کل کشور ۱۰۲ در ۱۰۰ هزار نفر است.

در جمع بندی وضعیت خشونت خانگی بین زوجین باید گفت که این خشونت دو جنبه دارد یکی درصد شیوع خشونت و دیگری شدت خشونت و برای فهم وضعیت خشونت خانگی بین زوجین باید به هر دو جنبه آن توجه شود. همچنین باید توجه داشت؛ خشونت خانگی یک مفهوم کلی است که خود دارای ابعاد مختلف روانی، جسمی، جنسی، اقتصادی و کلامی است. خشونت خانگی یک تعامل است و برای فهم آن در فضای خانواده باید به این جنبه تعاملی بودن آن (بین زوجین) توجه شود. در حالی که غالباً فضایی که از این واژه در اذهان شکل گرفته بیشتر یکی از انواع خشونت (خشونت فیزیکی) و علیه یکی از اعضای (بیشتر زنان) را تداعی می‌کند در حالی که در جامعه امروز با توجه به تغییر شکل روابط و تعاملات در فضای خانواده (از سنتی به مدرن) باید به اشکال دیگر و جهت‌های دیگر آن (علیه مردان، فرزندان و والدین) نیز پرداخته شود. خشونت خانگی به عنوان یک تعامل سرد، در جامعه سنتی گذشته بیشتر به شکل نابرابر (علیه زنان) و بیشتر در یک بعد (فیزیکی) بوده است اما در جامعه امروز باید به سایر ابعاد و جنبه‌های آن بیشتر توجه شود.

در تبیین عوامل و پیامدهای مرتبط با خشونت بین زوجین باید گفت، همانطور که در پیشینه تجربی پژوهش آورده شده است عوامل بسیار زیادی بر خشونت بین زوجین در جامعه ایران مرتبط‌اند و عوامل مورد بررسی در

این کار، تنها عوامل و پیامدهای مرتبط با خشونت خانگی بین زوجین نیستند بلکه عواملی بر مبنای چارچوب نظری پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی و صرفاً در فضای خانواده ایرانی هستند. بنابراین فهم عواملی که در سطح کلان با خشونت بین زوجین مرتبط اند یا در از خارج از فضای خانواده با خشونت بین زوجین مرتبط اند یا در ابعادی که خارج از فضای اجتماعی بر خشونت بین زوجین تاثیر می‌گذارند، جز اهداف این پژوهش نبوده است اما لازم است در تصمیم‌گیری‌ها و سیاستگذاری‌ها مد نظر قرار گیرند.

بر مبنای چارچوب نظری و یافته‌های پژوهش در تبیین عوامل مرتبط با خشونت بین زوجین می‌توان حداقل دو مسیر منجر به خشونت بین زوجین را شناسایی کرد. **فخست**، بر مبنای نظریه فشار عمومی اگنیو در مورد خانواده ایرانی می‌توان گفت که فشارهای اقتصادی موجود بر روی زوجین در خانواده ایرانی، احتمال افزایش فشارهای شغلی را بیشتر می‌کند و فشار شغلی به طریق گوناگون و از جنبه‌های مختلف، می‌تواند در نظام خانواده و ایفای نقش‌های زوجین اختلال ایجاد کند و منجر به خشونت بین زوجین گردد. از یک طرف فرد برای تامین معاش و اجتناب از بیکاری ممکن است تن به شغلی بدهد که آن را در شخصیت خود نداند و دچار تناقض بین نقش و شخصیت گردد. از طرف دیگر ممکن است کار کردن مرد به تنهایی برای تامین هزینه‌های زندگی کافی نباشد و لازم باشد جهت تامین مخارج و هزینه‌های زندگی، زن هم پای مرد کار کند. از طرف دیگر در فرهنگ جامعه ایرانی مرد را مسئول تامین معاش خانواده می‌داند و این زن را دچار تناقض در هنجارهای نقش همسری می‌کند (کمک اقتصادی به شوهر یا حفظ عزت نفس او). از سوی دیگر در فضای فرهنگ جامعه ایران انجام کارهای خانه جز وظایف زن دانسته می‌شود و مردان کمتر در امور خانه مشارکت می‌کنند و این خود موجب ایجاد گرانباری نقش‌های گوناگون زن و طاقت فرسا بودن آن برای او و یا منجر به تناقض در هنجارهای نقش‌های موقعیت‌های گوناگون (مثلاً هنجارهای نقش مادری و همسری در مقابل نقش کارمندی) می‌گردد. از سوی دیگر کار کردن زوجین می‌تواند منجر به کاهش اختصاص زمان مناسب برای خانواده (به لحاظ کمی) و نوع رابطه با اعضای خانواده (به لحاظ کیفی) گردد. هر یک از این شرایط به طرق گوناگون و با افزایش تعارضات بین زوجین و در کنار شیوه‌های اعمال قدرت سلطه جویانه می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی گردد. به طور کلی بر مبنای این نظریه می‌توان گفت حذف هر ارزش مثبت یا حضور هر محرک منفی در نهاد خانواده می‌تواند با ایجاد فشار اجتماعی بر روی هر یک از اعضای خانواده، زمینه‌ساز خشونت خانگی گردد (اوراعی و همکاران، ۱۳۹۸). از جمله این موارد می‌توان به کاهش اعتماد خانوادگی، کاهش رضایت جنسی در خانواده ایرانی اشاره کرد که می‌تواند باعث خشونت بین زوجین گردند و خشونت خانگی خود می‌تواند منجر به کاهش رضایت از زندگی، افزایش احتمال طلاق و افزایش رفتارهای انحرافی همچون روابط خارج از چارچوب خانواده و... گردد. **دوم**، بر مبنای نظریه منابع می‌توان گفت، خانواده مانند هر نظام اجتماعی دیگری دارای

سلسله مراتبی از اقتدار است و هر کسی که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد می‌تواند دیگر اعضا را به فعالیت در جهت اهداف خود مجبور کند. بر این اساس در جامعه ایرانی که در حال گذار از بافت سنتی به مدرن است و مرد، دیگر از جایگاه اقتداری خود همانند گذشته برخوردار نیست و زنان و فرزندان به تدریج در خانواده دارای سلسله مراتبی اقتدار هستند به طوری که حتی در موردی زن سالاری و فرزند سالاری جایگزین مردسالاری شده است. بر این اساس هرچه اشخاص به منابع بیشتری دست یابند، هنجارهای سنتی را که در تقابل با منافع و حقوق خود می‌دانند، بیشتر زیر پا خواهند گذاشت و این زیر پا گذاشتن هنجارها در تقابل با هنجارهای گذشته باعث افزایش موارد اختلاف و تعارض بین زوجین خواهد شد و اگر در شیوه‌های حل اختلاف و اعمال قدرت، یادگیری اجتماعی و جامعه‌پذیری صورت نگرفته باشد یا اینکه این یادگیری اجتماعی به شکل معکوس و با مشاهده خشونت بین والدین در خانواده پدری و الگوپذیری فرد از والدین صورت گرفته باشد، هر تغییر جدید در ساختار قدرت خانواده در کنار تضاد هنجاری یا ارزشی می‌تواند زمینه ساز خشونت بین زوجین شود. همچنین انتظار می‌رود با افزایش طول مدت ازدواج و سن، زوجین به تدریج به توفقاتی در تعامل با یکدیگر دست یابند و میزان خشونت بین زوجین کاهش یابد. البته باید متذکر شد که افزایش سن و طول مدت ازدواج اگرچه ممکن است شرط لازم برای رسیدن به توافق و کاهش خشونت باشد اما شرط کافی نیست، چون اگر در سایر عوامل موثر بر خشونت تغییری صورت نگیرد افزایش سن و طول مدت ازدواج فقط ممکن است شکل خشونت را تغییر دهد به عنوان مثال خشونت فیزیکی و کلامی به خشونت روانی تبدیل می‌شود.

در ارتباط با میزان تطابق نتایج این پژوهش با پژوهش‌های پیشین ابتدا باید گفت که این پژوهش هم به لحاظ جامعه مورد مطالعه و هم به لحاظ نوع سنجش خشونت (به شکل تعاملات بین زوجین) و نوع سنجش عوامل و پیامدهای مرتبط، تا حدی متفاوت با پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه است و بنابراین به نظر می‌رسد مقایسه و انطباق نتایج چندان موضوعیت ندارد اما با تسامح می‌توان گفت از میان عوامل مورد بررسی در این پژوهش عامل، «شیوه‌های اعمال قدرت» با نتایج پژوهش‌های عنایتی (۱۳۸۹)، پهلوان (۱۳۹۰)، علیوردی‌نیا (۱۳۹۰)، شایانی (۱۳۹۲)، فیروزجائیان (۱۳۹۴)، طالب‌پور (۱۳۹۶)، کبیری و همکاران (۱۳۹۷) و عامل «خشونت بین والدین» با نتایج پژوهش‌های پهلوان (۱۳۹۰)، علیوردی‌نیا (۱۳۹۰)، معاشری و همکاران (۱۳۹۱)، طالب‌پور (۱۳۹۶)، اوشو و آگابفل (۲۰۱۶) مطابقت دارد. همچنین عامل «نگرش به اعتماد با نتایج پژوهش‌های عباس‌زاده و سعادت‌تی (۱۳۹۱) و طالب‌پور (۱۳۹۶) و عامل «سن» با نتایج پژوهش‌های صادقی (۱۳۸۹)، معاشری و همکاران (۱۳۹۱)، شایانی (۱۳۹۲)، میرسالاری (۱۳۹۲)، فیروزجائیان (۱۳۹۴)، سن و بوسلوی (۲۰۱۷) مطابقت دارد. همچنین عامل «طول مدت ازدواج» با نتایج پژوهش‌های فیروزجائیان (۱۳۹۴)، سن و بوسلوی (۲۰۱۷) مطابقت دارد.

پیشنادهای پژوهشی

با عنایت به کندوکاوهای صورت گرفته در ارتباط موضوع پژوهش و بررسی پیشینه پژوهش و نکته‌ها و اطلاعات دریافتی در فرآیند انجام این تحقیق، پیشنهادات پژوهشی زیر ارائه می‌گردد:

۱. جهت ارائه درک عمیق و سیستماتیک از تغییرات خشونت خانگی، نیاز به انجام تحقیقات کیفی ضروری به نظر می‌رسد؛ تحقیقاتی که با مفهوم‌سازی‌های نظری بتواند مرزهای شناختی مردم و مسئولان را نسبت به خشونت خانگی روشن نموده و با روشنگری عمیق، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران را مجهز به مفاهیم و گزاره‌های روشن نظری و مفهومی نمایند. لذا انجام پژوهش‌های کیفی در زمینه خشونت خانگی بین زوجین و همچنین بین والدین و فرزندان در شهرهای مختلف کشور و مقایسه نتایج آن‌ها.

۲. توجه به جنبه‌های دیگر خشونت خانگی یعنی خشونت علیه مردان، خشونت علیه فرزندان و خشونت علیه والدین و مهمتر از آن شکل تعاملی خشونت بین زوجین و بین والدین و فرزندان

۳. سنجش گویه‌های پیمایش‌های ملی با یک شاخص در کنار سنجش طیفی، در جهت ایجاد امکان مقایسه، همچنین درجه‌بندی گویه‌ها بین نمره صفر تا صد^۱، برای سنجش دقیق‌تر.

۴. ادامه یافتن انجام این پژوهش، به صورت یک مطالعه طولی تا بتوان، روند تغییر خشونت خانگی و عوامل و پیامدهای مرتبط با آن را نشان داد.

۵. انجام پژوهشی در خصوص سنخ‌شناسی انواع خانواده در ایران و مقایسه وضعیت خشونت خانگی در ابعاد و جنبه‌های مختلف، بر اساس آن.

^۱. به عنوان مثال در یک طیف لیکرت، در بالای گزینه «خیلی کم» بازه ۰-۲۰، در بالای گزینه «کم» بازه ۲۰-۴۰، در بالای گزینه «تا حدودی» بازه ۴۰-۶۰، در بالای گزینه «زیاد» بازه ۶۰-۸۰، و در بالای گزینه «خیلی زیاد» بازه ۸۰-۱۰۰ درج گردد.

منابع

- اعزازی، شهلا. (۱۳۸۱). خشونت خانوادگی زنان کتک خورده، تهران: نشر سالی.
- اوراعی، غلامرضا و همکاران. (۱۳۹۸). مبانی جامعه‌شناسی مفاهیم و گزاره‌های پایه. تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بابایی فرد، اسدالله و حیدریان، امین. (۱۳۹۳). بررسی برخی عوامل اجتماعی موثر بر خشونت خانوادگی. فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه. سال ۵، شماره ۴. ۳۵-۵۲
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۴). طراحی پژوهش‌های اجتماعی، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- پهلوان، الهه. (۱۳۹۰). بررسی خشونت خانگی علیه زنان شهر سمنان و عوامل اجتماعی موثر بر آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار.
- ثناپی، باقر. (۱۳۶۸). نظریه یادگیری اجتماعی. فصلنامه تعلیم و تربیت. شماره ۲۰، ۱۱-۲۱.
- جان آبادی، سعید. (۱۳۹۵). مطالعه مقایسه‌ای نوع و میزان خشونت خانگی تجربه شده توسط زنان و مردان متأهل شهر زابل. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه خوارمی.
- چراغی، اسماعیل. (۱۳۸۷). فمینیسم و کارکردهای خانواده. مجله معرفت، شماره ۸۷، ۱۳۱-۱۰۸
- چلبی، مسعود؛ جنادله، علی. (۱۳۸۶). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر موفقیت اقتصادی». پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی (ویژه‌نامه جامعه‌شناسی)، شماره ۵۳، ۱۱۷-۱۵۴.
- سالنامه آماری پزشکی قانونی. (۱۳۹۷). خلاصه سالنامه آماری پزشکی قانونی. تهران: مرکز آمار ایران.
- شایانی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی میزان خشونت خانگی مردان علیه زنان متأهل ۵۴-۱۵ ساله شهر یاسوج و عوامل اجتماعی- اقتصادی مرتبط با آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه یاسوج.
- شکریگی، عالیه و مستمع، رضا. (۱۳۹۳). فراتحلیل مطالعات انجام شده پیرامون خشونت علیه زنان. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره ۱۵، شماره ۲، ۱۵۳-۱۷۷.
- صادقی، سهیلا. (۱۳۸۹). خشونت خانگی و استراتژی‌های زنان در مواجهه با آن (مطالعه ای کیفی). مجله بررسی مسائل اجتماعی ایران دوره ۱، شماره ۱، ۱۰۷-۱۴۲.

- صدیق سروستانی، رحمت الله. (۱۳۸۷). آسیب شناسی اجتماعی، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- طالب پور، اکبر. (۱۳۹۶). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی با تأکید بر همسر آزاری (مطالعه موردی؛ مناطق شهری و روستایی استان اردبیل). دوفصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر. سال ۶، شماره ۲۷، ۱۱-۴۹.
- عباس زاده، محمد و سعادت موسی. (۱۳۹۱). سنجش میزان همسر آزاری و عوامل موثر بر آن با تأکید بر سرمایه اجتماعی. مسائل اجتماعی ایران. سال ۳، شماره ۲. ۱۵۳-۱۷۹.
- علیوردی نیا، اکبر و همکاران. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظری و آزمون تجربی، مجله مسائل اجتماعی ایران، دوره ۲، شماره ۲، ۹۵-۱۲۷.
- علیوردی نیا، اکبر. یوسفی، ندا. (۱۳۹۳). تمایل به خودکشی در میان دانشجویان: آزمون تجربی نظریه فشار عمومی اگنیو، فصلنامه جامعه شناسی کاربردی، ۶۱-۷۹.
- علیوردی نیا، اکبر و همکاران. (۱۳۹۰). تحلیل اجتماعی خشونت شوهران علیه زنان: مدلی نظریو آزمون تجربی. مجله مسائل اجتماعی ایران سال ۲، شماره ۲. ۹۵-۱۲۷.
- عنایتی، حدیث. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر اصفهان). گروه جامعه شناسی. دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
- فیروزجائیان، علی اصغر و دیگران. (۱۳۹۴). تحلیل جامعه شناختی تاثیر بی نظمی در خانواده بر خشونت خانگی زنان علیه مردان. مسائل اجتماعی ایران. سال ۶، شماره ۲. ۱۰۵-۱۲۳.
- قاسمی، وحید. (۱۳۹۳). سیستم های استیبات فازی و پژوهش های اجتماعی. تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- قاضی طباطبائی، محمود و همکاران. (۱۳۸۳). تحقیق ملی بررسی خشونت خانگی علیه زنان، مرکز مشارکت امور زنان نهاد ریاست جمهوری و وزارت کشور، تهران.
- قزوینه، ژیلا و همکاران. (۱۳۹۷). توزیع فضایی خشونت های خانگی در شهر کرمانشاه. مجله جغرافیای پایدار و محیط. شماره ۲۸. ۷۹-۹۸.
- کبیری، افشار و دیگران. (۱۳۹۷). تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه). فصلنامه علمی-پژوهشی زن و جامعه. سال ۹، شماره ۲. ۲۹۵-۳۲۰.

- کریمی، فاطمه. (۱۳۸۶). بررسی وضعیت خشونت خانگی علیه زنان و عوامل موثر بر آن مطالعه موردی: شهر قم. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم اجتماعی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت معلم تهران.
- کریمی، مریم. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی تحمل خشونت خانگی در زنان. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه مشاوره. دانشکده علوم انسانی و اجتماعی. دانشگاه کردستان.
- کنعانی، محمدمبین و دیگران. (۱۳۹۳). انواع سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) و رابطه آن ها با خشونت خانگی علیه زنان. مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۱۰، شماره ۳۹. ۸۸-۱۰۳.
- مجیدی، زهرا. (۱۳۹۲). بررسی جامعه شناختی پدیده خشونت خانگی علیه مردان و برخی عوامل مرتبط با آن از دیدگاه مردان و زنان متأهل اراک در نیمه اول سال ۹۱. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه شناسی. دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.
- معاشری، مریم وهمکاران. (۱۳۹۱). شیوع و ابعاد جمعیت شناختی خشونت های خانگی علیه زنان در شهر بیرجند. فصلنامه علمی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. سال ۹، شماره ۱. ۳۲-۳۹.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها. تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- منیر، محمد داود و دیگران. (۱۳۸۸). خشونت خانوادگی، عوامل و راه های مقابله با آن. افغانستان: نشر شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر.
- میرسالاری، سید سجاد. (۱۳۹۲). بررسی نگرش شهروندان نسبت به مولفه های خشونت خانگی در ابعاد شناختی و رفتاری در شهرستان کهگیلویه در بین جمعیت گروه سنی ۲۵ تا ۶۰ سال. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه جامعه شناسی. دانشگاه پیام نور تهران، واحد غرب.
- وامقی، مروثه و همکاران. (۱۳۸۶). مواجهه با خشونت خانگی در دانش آموزان دبیرستانی شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی. سال ششم، شماره ۲۴. ۳۰۵-۳۲۵.
- یعقوبی، محمود و عنایت، حلیمه. (۱۳۹۰). بررسی جامعه شناختی عوامل موثر خشونت خانوادگی نسبت به دختران نوجوان (مورد مطالعه: دبیرستان های دخترانه شهر اهواز). زن و مطالعات خانواده. سال ۴. شماره ۱۴. ۱۷۲-۱۴۳.

یوسف زاده، پروین. (۱۳۹۷). برخی پیشایندها و پسایندهای خشونت خانگی علیه زنان: ارائه یک مدل علی. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه روان شناسی. دانشکده علوم انسانی. دانشگاه زنجان.

Al Dosary, A. H. (۲۰۱۶). "Health impact of Domestic Violence against Saudi women; Cross sectional study", International journal of Health Sciences, Qassim university, Vol. ۱۰, No ۲: ۱۱۲-۱۳۱.

Bott S, Guedes A, Ruiz-Celis AP, Mendoza JA.(۲۰۱۹). Intimate partner violence in the Americas: a systematic review and reanalysis of national prevalence estimates. Rev Panam Salud Publica Pan Am J Public Health. ۲۰۱۹;۴۳:e۲۶۱۰,۲۶۶۳۳/RPSP.۲۰۱۹,۲۶

Elghossain T, Bott S, Akik C, Obermeyer CM.(۲۰۱۹). Prevalence of intimate partner violence against women in the Arab world: a systematic review. BMC Int Health Hum Rights. ۲۰۱۹;۱۹: ۲۹۱۰,۱۱۸۶/S۱۲۹۱۴-۰۱۹-۰۲۱۵-۵

Hacettepe University Institute of Population Studies (HUIPS). Research on domestic violence against women in Turkey. ۲۰۰۹; ISBN: ۹۷۸-۹۷۵-۱۹-۴۴۹۸-۶, Ankara. http://www.hips.hacettepe.edu.tr/eng/dokumanlar/۲۰۰۸-TDVAW_Main_Report.pdf.

Owusu Adjah ES, Agbemaflle I.(۲۰۱۶). Determinants of domestic violence against women in Ghana. BMC Public Health ۲۰۱۶;۱۶:۳۶۸. ۱۰,۱۱۸۶/S۱۲۸۸۹-۰۱۶-۳۰۴۱-X

Sen S, Bolsoy N.(۲۰۱۷). Violence against women: prevalence and risk factors in a Turkish sample. BMC Womens Health. ۲۰۱۷;۱۷ DOI:۱۰,۱۱۸۶/S۱۲۹۰۵-۰۱۷-۰۴۵۴-۳